



نشریه تحلیلی تبیینی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان
سال هفتم / شماره بیست و هفتم
نیمه دوم فروردین ماه ۱۴۰۰
قیمت: ۵۰۰۰ تومان



نقد و بررسی عملکرد دولت در حوزه های مختلف اصلاحات و تحول



- بورس؛ فرصتی که از دست رفت / ۵
- آش شور اصلاحات در دهان آموزش و پرورش / ۶
- آدرس غلط کار دستان داد / ۹
- تیغ تیز اصلاحات بر گردن امنیت / ۱۲
- پیام رسان داخلی را با پنبه سر بریدند / ۱۴



صاحب امتیاز:
اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

مدیر مسئول:
محمد امین جعفری

سر دبیر:
لیلا زمانی

مدیر اجرایی: صابر خوشکلام
دبیر تحریریه: الهه افروزی

هیئت تحریریه:
توحید تقی زاده، امیر محمد کولانی، سعید هادوی،
سینا ارگنجی، میلاد هاشمی، امیر محمد زارعی، علی
ابراهیمی، سید سجاد حسینی، شیوا ابراهیمی،
محمدرضا ضیاء آبادی، محبوبه خاکپور، مهدیه ملک
محمدی، فاطمه محمدی، تینا حاج محمدی، امیر حسین
آبادی، لعیلا خادمی

مدیر هنری:
معصومه سربازی زاده

ویراستار:
توحید محمد زاده

تماس: ۰۹۱۲۷۹۶۵۴۹۶
پست الکترونیکی: h.d@jadnews.ir

 www.jadnews.ir

 @jadnews_ir

  @jadnews

 @jadnews.ir

هشادری

نشریه تحلیلی تبیینی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

شماره بیست و هفتم
نیمه دوم فروردین ماه ۱۴۰۰

فصل سیاسی

تحلیل و بررسی عملکرد دولت در حوزه های مختلف

خواب برجامی دولت	۲
افول اصلاحات	۳
هشت سال معطلی برای هیچ!	۴
بورس؛ فرصتی که از دست رفت!	۵
آش شور اصلاحات در دهان آموزش و پرورش	۶
دانشگاه؛ حیاط خلوت سیاسیون	۸
آدرس غلط، کار دستان داد!	۹
دیگر به این ۴۵ هزار تومان نیازی نداریم!	۱۱
تیغ تیز اصلاحات بر گردن امنیت	۱۲
پیامرسان داخلی را با پنبه سر بریدند!	۱۴
معرفی کتاب ارزشیابی عملکرد دولت و سازمان های دولتی	۱۶

فصل اقتصادی

بودجه؛ سند مالی یکساله کشور

بر سر بودجه چه می آید؟	۱۸
بودجه سیاست زده	۲۰
معرفی کتاب نظام بودجه ریزی در ایران	۲۱

فصل فرهنگی

جنگ نرم

تغییر هدف از تصرف سرزمین تا تسخیر هویت	۲۳
پروژه نرم ترویج فرهنگ غرب	۲۴
بازی در زمین رسانه ای دشمن	۲۵
استراتژی نبرد با ارزش ها	۲۷
معرفی کتاب ابزارهای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران	۲۸

فصل نبض پاندمی

کدامین واکسن؟	۳۰
دوراهی سنت و مدرنیته	۳۱
معرفی کتاب تصویری مدافعان سلامت	۳۲
معرفی کتاب زیبایی شرور	۳۲



فصل سیاسی

نشریه تحلیلی تبیینی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان/ سال هفتم/ شماره بیست و هفتم/ نیمه دوم فروردین ماه ۱۴۰۰

خواب برجامی دولت

در دولت آقای روحانی چه گذشت؟

به قلم : توحید تقی زاده صفحه ۲

افول اصلاحات

با نگاهی به مواضع دولت در حوزه دفاعی

به قلم : لیلا زمانی صفحه ۳

هشت سال معطلی برای هیچ!

دیپلماسی دولت تدبیر و امید در بوته نقد

به قلم : امیر محمد کولانی صفحه ۴

بورس؛ فرصتی که از دست رفت

تبدیل تهدیدها به فرصت، نقش بازار

سرمایه در اقتصاد کشور

به قلم : سعید هادوی صفحه ۵

آش شور اصلاحات در دهان آموزش و

پرورش

بررسی عملکرد هشت ساله دولت در

حوزه آموزش و پرورش

به قلم : سینا ارگنجی صفحه ۶

دانشگاه حیاط خلوت سیاسیون

بررسی اوضاع دانشگاه در دولت تدبیر

و امید

به قلم : میلاد هاشمی صفحه ۸

آدرس غلط کار دستمان داد

نگاهی به جریان تحریف در کشور

به قلم : امیرمحمد زارعی صفحه ۹

دیگر به این ۴۵ تومان نیازی نداریم

نگاهی به عملکرد اقتصادی دولت آقای

روحانی

به قلم : علی ابراهیمی صفحه ۱۱

تیغ تیز اصلاحات بر گردن امنیت

انقلاب اسلامی و چالش های امنیتی پروژه

۲۰۲۰

به قلم : سید سجاد حسینی صفحه ۱۲

پیامرسان داخلی را با پنبه سربردند!

نگاهی به عملکرد دولت در حوزه رسانه

و اینترنت

به قلم : شیوا ابراهیمی صفحه ۱۴

معرفی کتاب

ارزشیابی عملکرد دولت و سازمان های دولتی

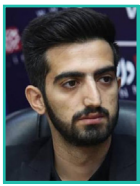
اثر: میر مهرداد پیدایی صفحه ۱۶



مقام معظم رهبری:

در جنگ بین حق و باطل، اگر با حق نبودی، با باطلی! با باطل بودن همیشه به معنی این نیست که حتماً با حق بجنگی، بلکه حتی آن صورتی که برای حق جنگی هم داخل است در مفهوم با باطل بودن. کسی که ساکت است ولو در دل ناراضی است اما این ناراضایتی را اعلام نمی‌کند، او هم برادر کسی است که راضی است.

(طرح کلی مبانی اندیشه اسلامی در قرآن کریم؛ صص ۴۹۷ و ۴۹۸)



خواب برجامی دولت

در دولت آقای روحانی چه گذشت؟

■ توحید تقی زاده / دبیرکل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

تدبیر و امید باعث شد تمام آمال و آرزوهای آحاد مردم رنگ ببازد، تنها راه بازگشت امید به مردم، روی کار آمدن دولتی متخصص، متعهد، جوان و حزب الهی است که با رواج غیر معمول رانت و فساد گسترده حاکم بر سیستم اداری، مقابله کند و سدی در برابر اختلاس و احتکار و فسادهای مالی امروزی باشد. به جرات باید گفت که می توان امید داشت که تاثیر مخرب تحریم ها تا حدودی رنگ ببازند. و البته تحقق این خواست نیز مستلزم برجیده شدن مدیران عنکبوتی و فرتوت دنیای میز و صندلی و بها دادن به جوانان تحصیل کرده و متخصص است.



حسن روحانی که چهره رای آوری در انتخابات ریاست جمهوری نبود، با اتکاء به حمایت های کارساز رهبران جریانات سیاسی اعتدال گرا و اصلاح طلب، در انتخابات سال ۱۳۹۲ پیروز میدان شد و در سال ۱۳۹۶ هم با اتکاء به بخشی از حامیان قبلی و قدری جسارت و برخی برچسب زنی های موثر، رقبای انتخاباتی را پست سر گذاشت. حداقلی بودن آرای او از یک سو و بی سابقه بودن پروژه های سیاسی او از سوی دیگر باعث شد از دولت روحانی با عنوان مصداقی خاص در راستای عبور از وضعیت موجود یاد شود. روحانی که سعی می کرد با طرح ایده مذاکراتی، کلید عبور از بحران ها را در سیاست خارجی بیابد، بخش عمده تلاش خود را صرف ایجاد تصویری ذهنی از ایده های خود کرد. حالا دولت او در شرایطی آخرین سال زمامداری اش را تجربه می کند که به عقیده سرسخت ترین حامیان سیاسی وی هم، میان پروژه دولت در سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ شکاف عمیقی وجود داشته است. شکافی که این روزها، او و دولتش را مجبور به تکرار رویکردهایی کرده است که روزی خود در خط مقدم منتقدان آن قرار داشت.

رها شدن اقتصاد در دولت روحانی به امید برجام و گشایش در خام فروشی نفت و فراموش کردن سایر بخش های اقتصادی، اقتصاد کشور را به ورطه رکود عمیق کشاند. دولت با توهم حل همه مشکلات اقتصادی با اجرای برجام، ساماندهی اقتصاد و اجرای اصلاحات اساسی را از دستور کار خارج کرد. اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح نظام بانکی، مقابله اصولی با مسأله قاچاق، پیگیری سیاست های صادرات محور، اصلاح و ادامه سیاست هدفمندی یارانه ها و بسیاری دیگر، مواردی است که خواب برجامی دولت، مانع اجرای آنها شد. در نهایت در اردیبهشت سال ۹۷، دونالد ترامپ با عملی کردن وعده خود برای خروج از برجام و بازگرداندن تحریم ها، رویای دولت را بر باد داد. پس از این بود که بافته های برجامی اقتصاد، یک به یک فروپاشید. در همین راستا، صادرات نفت وضعیت به مراتب بدتری نسبت به سال های ۹۱ و ۹۲ داشت تا جایی که طبق آمارهای غیررسمی، میزان صادرات نفت کشور به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت.

امروز دیگر در جای جای کوچه و بازار نیز می توان از تحلیل و انتقاد های مردم نسبت به عملکرد دولت و سیاست های نادرست مالی و پولی، نظام مالیاتی، حوزه سرمایه گذاری و بورس و تیم اقتصادی که بدون شک در تلاطم های اقتصاد و تورم افسار گسیخته ای که زندگی تمام اقشار جامعه را دستخوش تغییرات ناخوشایند داشته است، شنود و دریافت گلايه داشت و در مجموع، عملکرد دولت روحانی را در اجرای سیاست های داخلی و خارجی در ابعاد متفاوت و در ادامه، به دلیل عدم پابندی به وعده های متعدد انتخاباتی خود، نامطلوب دانست.

حال با نزدیک شدن به روز های انتهایی دولتی که با شعار

افول اصلاحات

از آغاز دولت اصلاحات با نگاهی به مواضع دولت در حوزه دفاعی

لیلا زمانی / سردبیر

ایران در اوج اقتدار به دولت یازدهم تحویل داده شد. در شرایطی که هیچ ابرقدرتی، جرئت جولان دادن در برابر این شیر بی‌شیر را نداشت. دولتی که جناح سبز برای ایران لقمه گرفته بود تا بار دیگر علم گفتگوی تمدنها را برافرازد. شعارها و وعده‌ها، زیبا و عوام‌فریبانه بود. قرار بود به قول خودشان، ارتباط فعال و سازنده با جهان داشته باشند تا به توسعه و پیشرفت برسیم. در خیالشان، تا قبل از سفر وزیر امور خارجه به آمریکا، جمهوری اسلامی ایران در نهایت انزوا و بیچارگی قرار داشت و دولت روحانی، بهاری میشد برای این زمستان!

جنتلمن پشت میز مذاکره هستند. این اتفاق، چنان ملت ایران و آزادی‌خواهان حقیقی در جهان را متأثر کرد که برای التیام این داغ، راهی جز انتقام نبود. شاید آن سگ زرد آمریکایی گمان میکرد قرار است نام حاج قاسم را از این جهان پاک کند؛ اما خبر نداشت که شهید سلیمانی، بسیار پر ابهت‌تر از سردار سلیمانی است. غیرت انقلابی بار دیگر خروشید و پرده‌های ضعف و مصلحت دولت را کنار زد. زمان سیلی که فرارسید، تمام کشور در حالت آماده باش برای جنگ با استکبار بود. اما جریان نفوذ در داخل کشور، هیچگاه دست روی دست نمی‌گذارد. چه در زمان ترور، چه در زمان پاسخ به ترور. آسمان شاهد انفجار تلخی شد که داغش بر دل ایران ماند. حال اینکه چرا در حالت آماده باش و زمانی که درخواست شده بود تا هیچ پروازی انجام نشود، آسمان خالی نبود یا اینکه چرا پدافندی که RQ1۷۰ را سالم بر زمین نشاند و گلوبال هاوک متجاوز را منهدم کرد، دچار چنین خطایی شده است یا چطور امکان دارد فردی کاملاً اتفاقی در همان ساعت در حال فیلم‌برداری از همان نقطه آسمان باشد، طرح بحث دیگری است. به‌هرحال همه میدانیم که جبهه رسانه‌ای دشمن، تربیت شده تا از هر اتفاقی، یک فاجعه انسانی بسازد؛ تا پتکی باشد بر سر نظام. شاید اگر در تمام این مدت، شاهد پاسخی قاطع یا حداقل موضع‌گیری صریح در این زمینه از سمت دولت و وزارت امور خارجه بودیم، هیچگاه طعم تلخ تروری دیگر از دانشمندان هسته‌ای را نمی‌چشیدیم. کم‌کم، هرچه به پایان این دولت نزدیک می‌شویم؛ اصلاح طلبان نیز راه خود را از راه روحانی جدا می‌کنند. تا جایی که طی همین چند ماه اخیر، زمزمه اصلاح‌طلب نبودن روحانی از سمت این جناح به گوش میرسد. عجیب هم نیست! با حجم افتخاراتی (!) که دولت در این هشت سال کسب کرد، راهی جز طرد کردن او ندارند. البته هرگز گمان نکنید که از او جدا هستند یا از حمایتشان، پشتیبان؛ بلکه در این شرایط، با توجه به عملکرد دولت و نزدیک شدن به انتخابات، مواضع این چنینی به نفعشان است. چون مردم فهیم ایران دریافته‌اند که دیگر نمیشود به چنین شعارهایی که از گلولی جناح سبز برمی‌خیزد، اعتماد کنند. ان‌شاءالله که اینگونه باشد!



پیش کشیدن مذاکرات، حرف تازه‌ای نبود... سالها قبل هم آتش مذاکره با استکبار، در ایران گرم شده بود. همان سالهایی که رنگ دولت، سبز بود؛ نه بنفش. دروغا که این آتش، شعله میکشد و از زمین تا آسمان منطقه را می‌سوزاند.

دولت ایران، ملت‌مسانه به مذاکراتی تن داد که همه می‌دانستیم نتیجه‌ای ندارد؛ یا بهتر باشد که بگوییم، نتیجه خوبی ندارد. اما انگار امضای کری، برایشان مطمئن‌تر بود تا کلام رهبری.

رئیس دولت و باقی وابستگان آن، در تمام مدت مملکت داری‌شان، در گوشه و کنار حرفها به این نکته اشاره میکردند که دیگر دوران تمرکز بر قوای نظامی به پایان رسیده و باید به فکر زیست مسالمت‌آمیز با آمریکای جنایتکار (و احتمالاً رژیم غاصب صهیونیستی) باشیم. این را به وضوح میشد از کاهش هر ساله‌ی بودجه دفاعی کشور هم فهمید.

از طرف دیگر، کانالهای حامی دولت و رسانه‌های پرمخاطبی که کارشان جز تمسخر دستاوردهای انقلاب و القای بدبختی به مردم نیست، همپای جریان مخالف مقاومت و مبارزه، بر طبل غرب‌زدگی میکوبیدند.

اینکه در پس پرده لیخندهای تیم مذاکره‌کننده و دست دادن‌ها با نمایندگان ایالات متحده، چه بود و چه گذشت؛ خدا میداند. اما آنچه واضح و مبهرن دیده میشد، نفوذ روزافزون دشمن در دستگاه دیپلماسی ایران بود که به جای عمل بر اساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی، مغلوب سیاست امپریالیستی و لیبرالیستی شده بود.

دور شدن از آرمان‌های انقلاب تا جایی پیش رفت که شعار نوشتن روی موشک را به سخره گرفتند و شخص رئیس‌جمهور در سخنرانی انتخاباتی سال ۹۶ مدعی شد که این کار مانع از اجرای مفید برجام شده است و به نوعی، رفع تحریم‌ها و گشایش اقتصادی که نتیجه برجام معرفی میشد را منوط به تضعیف حوزه دفاعی کشور نشان دادند. اما بعد از انتخابات، مدعی شدند که موشک‌های پرتاب شده به مواضع داعش در سوریه، ساخت دولت و وزارت دفاع بوده و البته در کنار این ادعا، تشکر کوچکی هم از پرتاب‌کننده‌ها داشتند تا مثل همیشه یکی به نعل بزنند و یکی به میخ. تا آن زمان، جناح اصلاح‌طلب همچنان مدافع سیاستگذاری‌های دولت روحانی بود. بارها توسط افرادی از این جناح مثل آقایان علی مطهری و محسن رهامی، شاهد به رگبار بستن موشک‌هایمان بودیم. موشک‌هایی که امنیت و اقتدار را نه فقط برای این مرز و بوم، بلکه برای بخش‌هایی از خاورمیانه رقم زده بود.

گویی، هیمنه پوچ آمریکا و اروپا چنان در قلب این دولت رسوخ کرده بود که حافظه تاریخی‌شان را از دست داده بودند.

این اظهار ضعف در برابر استکبار، در نهایت منجر به این شد که آمریکای جنایتکار دست به ترور سردار بزرگ اسلام، حاج قاسم سلیمانی، زد. آری! در دنیای گفتمانها، سردار ما را با موشک زدند. همانهایی که ما را به تروریست بودن در منطقه محکوم می‌کنند، خودشان تروریست‌های



شرطی کردن اقتصاد کشور، از دیگر نقاط قابل انتقاد دولت تدبیر و امید است. پیرو همان مسأله، گره زدن آینده کشور به رفع تحریم ها و نداشتن برنامه دومی برای اداره کشور، اقتصاد را به سمتی سوق داد که با کوچک ترین تکانه ها، شاهد تلاطمی عظیم در بازار های مختلف داخلی، از مواد غذایی گرفته تا طلا و ارز، باشیم. با شرطی شدن اقتصاد، دیگر ما شاهد اتفاقات واقعی بر اساس شاخصه های علمی نخواهیم بود، همان چیزی که امروز در کشور نظاره گر آنیم.

نکته دیگری که حقیقتاً از سایر موارد مهمتر اما نشأت گرفته از همان هاست، معطل کردن کشور است. ایران از سال ۱۳۹۲ تا به امروز، معطل مسأله رفع تحریم هاست. قریب به ۸ سال، همه چیز کشور، معطل رفع تحریم ها بود که هیچگاه به طور کامل، عملاً محقق نشد، همین امر موجب آن شد که ابتکار عمل از دست دولت خارج شود و عملاً اقتصاد کشور، بازپچه دست دولتهای های غربی و مشتی دلال داخلی شود.

از دیگر نقاط ضعف دولت تدبیر و امید در حوزه سیاست خارجی می توان در تمرکز دستگاه سیاست خارجی بر روی مسأله هسته ای و کشورهای غربی دانست. هرچند که در مورد ارتباط با کشورهای شرقی نیز کار هایی صورت گرفته است؛ در دولت تدبیر و امید شاهد آن بودیم که کم ترین روابط با کشورهای منطقه صورت گرفت و عملاً این جهت دهی موجب آن شده است که در زمینه اقتصادی، ما یک بازار قدرتمند ۳۰۰ میلیونی را از دست بدهیم؛ بازاری که امروز در دست بازیگرانی چون ترکیه، روسیه و چین است.

به عنوان جمع بندی باید گفت که دولت های یازدهم و دوازدهم، با وجود انجام کارهای مثبتی چون تحکیم روابط با کشورهای چین و روسیه و در زمینه سیاست خارجی دارای جهت دهی مناسب با شرایط کشور نبوده است. هرچند که در دستگاه دیپلماسی ما، انسان های باتجربه ای سکان امور را در دست دارند، اما در عرصه سیاست خارجه جهت دهی مهمتر از تجربه است. جهت دهی دولت نه تنها مورد قبول نیست بلکه نتیجه قابل قبولی هم نداشته است و مطمئناً در این چند ماه باقی مانده، دولت باید در حد توان این رویه ها را اصلاح کنند و دولت بعدی نیز با تجربه ای که از عملکرد این دولت اندوخته است، این رویه ها را به طور کارآمد اصلاح نماید.

هشت سال معطلی برای هیچ!

دیپلماسی دولت تدبیر و امید در بوته نقد

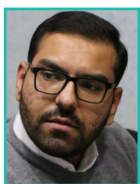
امیر محمد کولانی/ دبیر دفتر دانشگاه رازی کرمانشاه



سال ۱۳۹۲ دولت تدبیر و امید با شعار تعامل سازنده با کشورهای مختلف دنیا و حل و فصل پرونده هسته ای ایران، سکان اداره کشور را در دست گرفت. در همان ایام مناظرات انتخاباتی ریاست جمهوری، جناب آقای حسن روحانی، جمله ای را بر زبان جاری کردند که بعد ها در ادبیات سیاسی کشور، جایگاهی برای خود پیدا کرد. آن جمله معروف این بود: «مهم این است که چرخ اقتصاد و معیشت مردم و سانتریفیوژ باهم بچرخند.» این جمله را میتوان مفهومی صحیح تلقی کرد اما با گذر زمان، مشخص شد که جهت دهی دولت یازدهم و دوازدهم به این سمت و سو نبوده است.

در ابتدای کار دولت یازدهم، شاهد حمایت های همه جانبه ای از این دولت بودیم؛ حمایت هایی از جانب شخصیت ها و ارگان های مهم کشور. مشارکت چشمگیر مردم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ نیز سرمایه ای بی بدیل بود برای دولت تدبیر و امید تا بتواند به پشتوانه آن در میدان مذاکرات، قدرتمندانه از حقوق ملت ایران دفاع کند.

از همان ابتدا، شاهد برخی اظهار نظرات غیر دقیقی از جانب مسئولین دولتی بودیم. به عنوان مثال در یکی از سخنرانی های عمومی رئیس جمهور محترم، آقای روحانی جملاتی را بر زبان جاری کردند که بی شک یکی از مخرب ترین تأثیرات را بر روند مذاکرات داشت. «خزانة کشور، خالی است.» این جمله، هرچند از روی ناآگاهی و زیستن در همان فضای انتخاباتی بود، جز ارسال پیام ضعف به بیگانگان، پیامی را مخابره نمود. پیام وضعی که از ایران صادر شد، پس از توافق ژنو، آمریکایی ها را بر آن داشت که بگویند: «با پول هایی که ما به ایران دادیم، دولت ایران بسته های غذایی به مردمش داد.» این اظهار نظر، گذشته از تحقیر ملت ایران، نشانگر فضایی فکری است که بر کاخ سفید آن روزگار حاکم بود و آن فضا عبارت بود از اینکه ایران پول ندارد و ذخایر ارزی اش از میان رفته. پس برای اداره امورش به هر توافقی تن میدهد. زمان گذشت و نقاط ضعف بیش از پیش نمایان می شد. دولت تدبیر و امید همه چیز کشور، از آب خوردن مردم تا بیمه سلامت، را به برجام و رفع تحریم ها گره زد؛ این را می توان پاشنه آشیل این دولت دانست که همه امور را نه به داخل بلکه به خارج از این مرز، حواله می کرد. زمانی که اداره کشور به خارج از آن گره بخورد، عملاً ابتکار عمل از دست میرود. زیرا آنچه در خارج از کشور می گذرد، در حیطه تصمیمات ما نیست و یقیناً از ما تأثیر نمی پذیرند و لزوماً تطبیقی هم با منافع ملی مان نخواهند داشت. شاید اگر دولت محترم، توقعات را در خصوص مسأله رفع تحریم ها تا این حد بالا نمی برد، پس از خروج آمریکا از برجام چنین شوکی به اقتصاد کشور وارد نمی شد.



بورس؛ فرصتی که از دست رفت!

«تبدیل تهدید به فرصت ها و نقش بازار سرمایه در اقتصاد کشور»

■ سعید هادوی / معاون مالی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

تا روند طبیعی خود را طی کند و بعد از اینکه شرایط بازار به روند طبیعی خود بازگشت، برای صدور کد بورسی حتماً امتحان از آنانی که تمایل به سرمایه گذاری در این بازار دارند گرفته شود و کسانی که آموزش های لازم برای حضور در این بازار را دریافت نکرده اند؛ سرمایه خود را در اختیار شرکتهای سبدگردانی قرار دهند.

با افراد حقیقی که از طریق رانت، اقدام به دستکاری و دخالت در سهام میکنند، به شدت برخورد شود و شرایط برای حضور مجدد اینچنین افرادی دشوار شود.

این شرایط که به راحتی میتوانست فرصت جدیدی در اقتصاد کلان کشور ایجاد کند، با بی فکری دولت تبدیل به تهدید و ایجاد تورم شدید در کشور شد. سرمایه گذارانی که یکی پس از دیگری، روانه این بازار جذاب و سودآور و کمک کننده به تولید داخلی شدند، حال سوق دادن آنان به بازارهای مالی جهانی، دلالی و ... باعث افزایش بی رویه قیمت دلار، اجناس و تورم شدید در بازار شده است. در شرایطی که ارز موجود در کشور در شرایط بحرانی است، عده ای که راه ترید را در پیش گرفته بودند با تبدیل سرمایه باقیمانده خود به دلار، به سمت دنیای اغواکننده رمز ارزها رفته و ارز باقیمانده در کشور نیز به این صورت از کشور خارج می شود.

حال باید دید دولت به دنبال جبران خسارت هایی که به سرمایه گذاران وارد کرده است، خواهد بود یا خیر؟ دولتی که کمتر از سه ماه دیگر به پایانش باقیمانده است و کارنامه نهایی او صادر خواهد شد، از این وقت باقیمانده، نهایت استفاده را برای جبران به کار میبرد یا اینکه راه فشل بودن خود در طی این ۸ سال را در پیش خواهد گرفت و رفوزه خواهد شد؟!

در شرایط نابسامان اقتصادی و رشد نقدینگی در بازار، بهترین فرصت، تشویق مردم به سرمایه گذاری در بازار سرمایه بود؛ جایی که به ظاهر، شفافیت مالی شرکت ها و بنگاه ها در معرض دید عموم قرار دارد.

در جایی که زیرساخت های آن از قبل برای ورود افرادی که تشویق شدند وجود نداشت، ولیکن جذابیت این بازار با رشد های سال ۹۸، هر سرمایه گذاری را ترغیب به ورود در این بازار میکرد و فقط نیازمند محرکی بود که آن را به این بازار سوق دهد. محرکی که از سمت رییس دولت ایجاد شد. اما پس از ورود سرمایه گذاران به این بازار، دولت و شرکتهای خصوصی از این اعتماد سرمایه گذاران سوء استفاده کرده و در بی اعتمادی به سوی سرمایه گذران باز شد؛ سرمایه گذارانی که اکثر آنان پولهایی که از تولید بدست آورده بودند را به این بازار روانه کردند اما با شرایط نابسامان دولت و کسری بودجه مواجه شدند و سرمایه آنان به یغما رفت. حال این سرمایه گذران بعد از ناموفق بودن در این بازار، دوباره به سمت تولید یا سرمایه گذاری در شرایط مشابه اقتصادی خواهند رفت؟ و آیا اینکه با این شرایط و ضررهای سنگین، موفق به نقد کردن مانده پول خود خواهند شد؟ یا اینکه دولت به دنبال فریز کردن پول آنان میباشد؟!

در جواب باید گفت که اکثر این سرمایه گذاران وقتی راه آسان دلالی و سودهای هنگفت آن را میبینند، دیگر تمایلی برای سرمایه گذاری های دولتی و تولید نمیبینند و در صورتی که موفق به نقد شدن شوند، پولهای خود را روانه دلالی و خرید و فروش و بازار های مالی خارجی خواهند کرد.

راهکارهایی برای بهبود بازار سرمایه نیز وجود دارد. بدین صورت که دستکاری های دولت باید به کل از این بازار برداشته شود





آش شور اصلاحات در دهان آموزش و پرورش

بررسی عملکرد هشت ساله دولت روحانی در حوزه آموزش و پرورش

■ سینا ارگنجی/ دبیر اسبق جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان مشهد

قریب به هفت سال و شش ماه از دولت حسن روحانی میگذرد و در واپسین ماه های دولت تدبیر و امید هستیم. در این ایام معمولاً عملکرد و رفتار دولت روحانی در محافل و نشست های مختلف در حوزه های گوناگون مورد نقد و بررسی قرار میگیرد. نگارنده این سطور نیز قصد دارد در خصوص آموزش و پرورش در دوران روحانی عملکرد او را در سه مؤلفه و کلان مساله، سند تحول بنیادین، جذب نیروی انسانی و عدالت آموزشی که هر سه اینها مورد مطالبه رهبر انقلاب نیز بوده است، مورد نقد و بررسی قرار دهد.

سند تحول بنیادین

سند بنیادین آموزش و پرورش با هدف ایجاد تحول در همه ساخت ها و ارکان نظام آموزش و پرورش، مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسید. این سند به مثابه نقشه راه در جهت تحول آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت است که در سال های اخیر، اجرا و پیگیری آن مورد تاکید مقام معظم رهبری نیز بوده است.

نگاه کلی به روند اجرای این سند در دولت روحانی و پیگیری آن توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش (ریاست هردو شورا برعهده حسن روحانی است) نشان میدهد که عزم جدی برای اجرای این سند وجود ندارد.

به گزارش مرکز پژوهش های مجلس که در بهمن ماه ۱۳۹۹ منتشر شد، در ۹ سال که از تصویب این سند میگذرد (۷ سال از آن در این دولت سپری شده است) تقریباً هیچ طرح یا لایحه ای در راستای اجرای سند به مجلس ارائه نشده و قانونی هم تصویب نشده است. نظارت بر اجرای سند تحول هم با شورای عالی انقلاب فرهنگی است که تاکنون نظارتی هم وجود نداشته است. و هیچ گاه در طول این سالها حتی ردیف بودجه ای مشخص با نام اجرای سند تحول بنیادین نداشته ایم و حتی مدیران آموزش و پرورش هم تبیین صحیح و درک درستی از سند نداشته اند. شاید برخی بگویند بخاطر عمر کوتاه دولتها که معمولاً ۴ سال است، اهمیت سند تحول را که مدت زمان عملیاتی شدن تصویب و اجرای قوانین آن حداقل ۱۲ سال زمان می برد را برای مسئولین پایین آورده و آن را در اولویت های بعدی قرار میدهد. اما اینطور نیست!

دولت روحانی بر خلاف نوع نگاهش به سند تحول که از جنس بی توجهی و بی اهمیتی است، به سند ۲۰۳۰ با چشمی کاملاً مشتاقانه و روی باز می نگرد؛ به نحوی که با تصویب آن در هیات دولت و تشکیل یک کار گروه، آنان را موظف می سازد که برای این سند، نظام نامه و دستورالعمل اجرایی بنویسند که از زمان تصویب و ابلاغ این سند نهایتاً ۳ ماه بیشتر طول نمی کشد!





جذب نیروی انسانی

آموزش و پرورش برخلاف سایر دستگاه‌ها که فقط دو جنبه و دو بُعد ساختار و محتوا دارند، یک دستگاه ۳ بعدی است. ساختار، محتوا و منابع انسانی.

منابع انسانی در این نهاد مهم‌تر از دو بعد دیگر است. معلم، جان نظام آموزشی است و بدیهی است اگر تجهیزات خوب، امکانات و تکنولوژی پیشرفته و منابع درسی غنی داشته باشیم ولی معلم با کیفیت نداشته باشیم، کیفیت نظام تعلیم و تربیت خواهد لنگید.

در اوان دولت روحانی، در دوره وزارت فانی، آقای وزیر مکرر بیان می‌کرد که حدود ۲۰۰ هزار معلم مازاد داریم. سازمان برنامه و بودجه با توجه به این سخن وزیر ردیف استخدامی در آموزش و پرورش را کاهش داد. با توجه به اینکه در همان زمان گفته میشد آموزش و پرورش در ۱۰ سال آینده، دچار کمبود معلم و سونامی بازنشستگی خواهد شد، مسئولین وقت وزارت خانه بر ادعای خودشان پافشاری کرده و این حرفها را رد میکردند. گویا منطق آقایان هم این بود که با خصوصی سازی و توسعه مدارس غیر دولتی، وزارتخانه را کوچک خواهند کرد و جذب معلم جدید، مانع تحقق این هدف است. این رفتارهای نسنجیده امروز آموزش و پرورش را با چالشی مواجه کرده است که برای جبران کمبود معلم از راه های متفاوت که زیان بار و خسارت زا است اقدام به جذب معلم کند.

عدالت آموزشی

مساله ای که در چند سال اخیر ذهن دغدغه مندان و دلسوزان انقلاب اسلامی را به خود مشغول کرده است، مساله عدالت آموزشی است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، عدالت آموزشی یعنی فلان دانش آموز در دوردست با دانش آموزی در تهران هیچ فرقی در نصیب از آموزش نداشته باشند. بزرگان انقلاب اسلامی نیز با دغدغه آموزش رایگان و فرصت های برابر یادگیری برای آحاد مردم ایران، اصل ۳۰ قانون اساسی را ایجاد کردند و هرگونه بهره برداری مادی و استفاده اقتصادی از آموزش را ممنوع

کردند. در سال ۶۷ و در ایام جنگ که هزینه های سرسام آور، اداره کشور را دچار مشکل کرده بود، طرحی در مجلس در حال تصویب بود که میخواست بخشی از آموزش را به خود مردم واگذار کند و هزینه های آموزش را کاهش داده و مردم را در امر آموزش مشارکت دهد. این قانون بعد از چند سال از روال اصلی خود خارج شد و بجای مردمی سازی، خصوصی شد. بسیاری از مدیران آموزش و پرورش، مدرسه غیرانتفاعی تاسیس کردند و مدرسه تبدیل به بنگاه اقتصادی شد. در دولت آقای روحانی با تغییر برخی از قوانین و حمایت های خاص از این مدارس، عملاً آنها را از مدرسه غیرانتفاعی به مدرسه غیردولتی تغییر داده و زمینه کالایی شدن آموزش را بیش از پیش فراهم کردند. دولت با بهانه صرفه جویی در هزینه های خود حمایت از این مدارس را دوچندان کرد. روی دیگر تقویت مدارس غیرانتفاعی، تضعیف مدارس عادی دولتی است. امروز مردم ایران سالیانه ۴۵ هزار میلیارد تومان، خرج تحصیل فرزندان خود در مدرسه غیرانتفاعی می کنند. آش خصوصی سازی آن قدر شور شده است که بنا به آمار بانک جهانی، آموزش و پرورش ایران، پولی ترین آموزش دنیاست. (۱۶ درصد دانش آموزان در مدرسه غیرانتفاعی درس میخوانند).

روند خصوصی سازی و تاسیس مدارس غیر انتفاعی از سال ۶۷ تا ۹۲ مجموعاً ۹ درصد بوده است. در حالی که از سال ۹۲ تا ۹۸، ۷ درصد بوده است.

این آمار، ولع و عطش عجیب این دولت را نسبت به خصوصی سازی آموزش نشان میدهد.

آقای روحانی هیچ دستاوردی هم که در ۸ سال دولتش در تعلیم و تربیت این مملکت نداشته باشد، دکان داری و کالایی سازی آموزش را خوب بلد است و فروشنده خوبی است! خودش هم قبل تر گفته بود: «ما میخواهیم دانش آموزی تربیت کنیم با قیمت ارزان تر!»



دانشگاه؛ حیات خلوت سیاسیون

«بررسی اوضاع دانشگاه در دولت تدبیر و امید»

■ میلاد هاشمی/ دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اهواز



این وزارت خانه با اعمال محدودیت های زیاد و به اصطلاح خود تحریمی، چنان ضربه مهلکی به تنها دانشگاه تخصصی نفت ایران و همچنین هفتمین دانشگاه صنعتی نفت دنیا، دانشگاه صنعت نفت، وارد کرده است که این دانشگاه تبدیل به باتلاقی برای امید و آینده نخبگانی شده است که با آرزوهای بزرگ وارد این مسیر شده اند. در این هشت سال از لغو تعهد استخدامی دانشجویان این دانشگاه گرفته تا محدود کردن بودجه دانشگاه (حتی نداشتن قدرت خرید صندلی برای دانشگاه) موانعی بر سر راه این دانشگاه قرار داده شده است که در نوع خود بی سابقه بوده اند. در آخرین اقدام نیز آقای ژنرال زنگنه با استخدام سلیقه ای آقای عامر کعبی، استاد درجه چندم و نماینده مجلس در دانشگاهی با رتبه بندی های برتر جهانی، سعی در تضعیف این دانشگاه حیاتی کشور داشته است. البته این فقط یک نمونه از سعی و تلاش افراد برای استخدام های سلیقه ای و ژن های خوب و همچنین فراری دادن نخبگانی است که دلشان برای وطن می تپد!

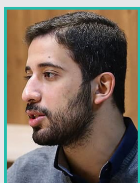
پس از فراگیری ویروس منحوس کرونا و تعطیلی دانشگاه ها، وزارت علوم نه تنها شرایط را برای دانشجویان بهتر نکرده بلکه سخت تر نیز کرده است. در این دوره یکساله پاندمی ویروس کرونا، خیلی از دانشگاه های کشور شهریه های خود را به طور کامل اخذ کرده اند و با اینکه هیچ خدمات مفیدی درقبال دانشجو نداشته اند و کیفیت تدریس اساتید نیز به شدت پایین آمده است و همچنین با وجود مشکلات فراوان در سامانه آموزش مجازی، دانشگاه ها اخذ کامل شهریه را حق خود می دانند. وعده های زیادی نیز در دوران کرونا از جمله اینترنت رایگان به دانشجویان و همچنین رایگان شدن مصرف اینترنت در سامانه آموزش مجازی دانشگاه ها داده شده است ولی دریغ از ذره ای واقعیت و عمل.

دولت هشت ساله آقای حسن روحانی با گرفتن نمره زیر ۱۰ از تمام جامعه علمی کشور، حاصلی جز فرار مغز ها و ناامیدی قشر جوان و علمی کشور نداشته است.

با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، خیلی ها امید داشتند به پیشرفت و ارزش گذاری بیش از پیش علم ولی تنها حاصل تدبیر ۸ ساله این دولت، تضعیف دانشگاه ها و از بین بردن امید دانشجویان بوده است. دانشگاه ها به عنوان شریان های حیاتی علم و دانش کشور شناخته می شوند؛ شریان هایی که برای جریان آنها، نیاز به توجه فراوان است. یکی از مشکلاتی که سالهای متوالی است با آن دست و پنجه نرم می کنیم، ارتباط با صنعت ضعیف در دانشگاه هاست. موضوعی که به خودی خود میتواند بار عظیمی از مشکلات را حل نماید. معتقدیم در امر رشد و پیشرفت، نیازمند دو فاکتور و دو بال هستیم؛ علم و مهارت. فاکتور مهارت، تنها و تنها به واسطه ی این ارتباطات حل میشود. متأسفانه نمره میانگین ارتباط با صنایع در دانشگاه های کشور، نمره ی قابل قبولی نیست و کم کاری های بسیاری در این زمینه رخ داده است. فاکتور دومی که به آن نیز اشاره شد، جذب سلیقه ای هیئت علمی، دانشجو و... در بدنه دانشگاه ها است. اعضای محترم شورای انقلاب فرهنگی نیز بارها بر این مهم تاکید داشتند ولی آیا گوش شنوایی وجود دارد؟ دانشگاه ها در دولت آقای روحانی تبدیل به حیات خلوت سیاسیون و دولتی ها شده است. حقوق خوب و ارتباط با جوانان و تأمین پشتوانه، عواملی هستند که سیاسیون را به فعالیت در دانشگاه ها پس از پایان یافتن دوران مسئولیتشان وسوسه می کند.

از انتصاب دختر آقای روحانی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران که مثال بزیم، اسم افراد بسیاری به گوش می رسد که با لابی گری ها وارد بدنه دانشگاه ها شده اند. از جمله جذب آقای عراقچی در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی و تحمیل حسین فریدون، برادر رئیس جمهور به دانشگاه شهید بهشتی برای گذراندن دوره دکتری که با مخالفت دانشگاه مربوطه مواجه شده ولی با پیگیری های سازمان سنجش و اعمال نفوذ افراد ایشان در پردیس این دانشگاه مشغول به تحصیل شده اند.

البته در این میان از نقش وزارت محترم نفت درضربه زدن به جامعه علمی صنعت نفت و گاز و انرژی هم نمی شود چشم پوشی کرد.



آدرس غلط، کار دستان داد!

«نگاهی به جریان تحریف در کشور»

■ امیرمحمد زارعی/ دبیر واحد سیاسی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

تحریف رسانه‌ای یکی از شیوه‌های قدیمی است که با برجسته‌سازی حواشی، متن موضوع تحت الشعاع قرار می‌گیرد و افکار عمومی از اصل موضوع غافل می‌شود.

سازی‌ها دنبال می‌کند. ایجاد امید کاذب و انتظار خسارت‌بار برای به روی کار آمدن دوباره دموکرات‌ها در آمریکا، بخش دیگری از برنامه‌های فعلی جریان تحریف در داخل ایران است که به دنبال وادار کردن کشورمان به مذاکرات برجاسی و گرفتن امتیازات اعمال محدودیت‌های موشکی و قدرت منطقه‌ای از جمهوری اسلامی ایران است. جریان تحریف با وارونه‌سازی حقایق، اقتصاد مقاومتی را اقتصاد ریاضتی و مخالفان برجاسی و مذاکره را همسو با صهیونیست‌ها معرفی می‌کند؛ برنامه شکست تحریم از طریق برجاسی و مذاکره را بر اساس یک تحریف بزرگ، مطرح کرده و آن را به نظام جمهوری اسلامی تحمیل می‌کند.

ترسیم غرب به عنوان قدرت فعال و تصور ایران به عنوان نظامی منفعل که چاره‌ای جز تسلیم در برابر غرب ندارد! این تاکتیک در برهه‌ای که یک جریان سیاسی به دنبال هدف خاصی است، پر رنگ تر می‌شود. نگاهی به غافل کردن جامعه از هدف سفر رئیس مجلس به مسکو و تحت الشعاع قرار دادن تفاهم راهبردی ایران و مسکو در برابر فشار آمریکا، جنجال‌سازی گسترده پیرامون خبر حذف نام امام خمینی (ره) در قطعنامه پایانی راه پیمایی ۲۲ بهمن (که دروغ بود) یا برجسته‌سازی شعار توهین آمیز چند موتور سوار در یک خیابان (که البته کار غلطی بود) و موارد مشابه، همه برای پیگیری یک هدف خاصی است که جریان سیاسی حامی و فاعل این جنجال

در طول تاریخ روش تحریف گران، تکرار هزار باره یک دروغ بوده تا تصویر واژگونه‌ای از حقیقت را در افکار عمومی حاکم کنند.

به عنوان مثال معاویه آنقدر علیه حضرت علی علیه السلام دروغ گفت که هنگام شهادت ایشان در محراب نماز، عده‌ای از نماز خواندن ایشان تعجب کردند! یا دستگاه یزید با تبلیغات دروغین و مکرر، امام حسین علیه السلام را که کشتی نجات بود، عامل تفرقه در جهان اسلام معرفی کرد و شد آنچه که میدانید.

امروزه نیز دروغهایی را بوق‌های خارجی و بلندگوهای داخلی آنقدر تکرار می‌کنند که تبدیل به باور بخشی از افکار عمومی می‌شود. مانند فوت یک زندانی بر اثر شکنجه، یا کشتار سوختبران بلوچ، یا



مسئولین را برای تن دادن به امضا کردن برجام ۲ و برجام ۳ و... راضی، قانع و مجاب نمایند.

به عبارت روشنتر، ظاهراً «جریان تحریف» و «جریان روزنامه‌های زنجیره‌ای» و «جریان مدعیان اصلاحات» این روزها درصدد برآمده تا سیلی محکم تر و کاری تری بر پیکر مظلوم انقلاب اسلامی وارد نموده و به یک باره تمام داشته‌های انقلاب اسلامی را به چوب حراج بگذارند، و کشور را تبدیل به لقمه آسانی برای بلعیده شدن در حلقوم سیری ناپذیر آمریکای جنایتکار و اروپای خیانتکار بنمایند.

از این رو ملت ایران باید توجه و دقت نمایند که «جریان نفوذ» و «جریان تحریف» و «جریان مدعیان اصلاحات» و «جریان نفاق داخلی» به زعم خود تلاش می‌کنند با مطرح نمودن دوگانه‌های دروغینی نظیر «سازش یا افزوده شدن گرانی‌ها و مشکلات اقتصادی»، «سازش و مذاکره دوباره با کدخدا و دادن امتیازهای بیشتر به سلطه‌گران بین‌المللی؛ یا افزایش نابسامانی‌های اقتصادی و فقیرتر شدن فقرا و نزدیک شدن سایه شوم جنگ»، با یک تیر چند نشان بزنند. از طرفی، می‌خواهند خود را از زیر بار فشار افکار عمومی و افتضاحی که بابت حمایت‌های بی‌چون و چرایشان از دولت ناکارآمد «تدبیر و امید» به بار آورده‌اند، خلاص کنند و از طرف دیگر، می‌خواهند سوءمدیریت‌ها و خرابکاری‌ها و ناکارآمدی‌ها و احیاناً خیانت‌های دولت «تدبیر و امید» را لاپوشانی کرده و مقصر وضع نابسامان اقتصادی را شخص دیگری غیر از دولت فعلی جا بزنند! و مثلاً نهاد‌های حکومتی و مقام معظم رهبری را به عنوان مقصر وضع نابسامان اقتصادی موجود و پلشتی‌ها و گرانی‌های افسارگسیخته و واردات بی‌رویه و اهمال کاری‌ها و خیانت‌ها و فسادها و اختلاس‌ها معرفی نمایند.

ظاهراً «جریان تحریف» و «جریان روزنامه‌های زنجیره‌ای» و «جریان مدعیان اصلاحات» این روزها درصدد برآمده تا سیلی محکم‌تر و کاری تری بر پیکر مظلوم انقلاب اسلامی وارد نماید

آدرس غلط «مذاکره و دیپلماسی التماسی و استرحامی و انضمامی و انفعالی» را به خورد ملت دهند و از این رهگذر، آب به آسیاب دشمن ریخته و پاس گل به آمریکا بدهند و عصا زیر بغل تحریم‌های آمریکایی بگذارند.

از این رو می‌توان گفت که بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی و تلخی‌هایی که در سال‌های اخیر به کشور ما تحمیل شد، بیش از خباثت دشمن و تحریم‌ها و تهدیدها، ریشه در انحراف و تحریف‌گری برخی خواص غربگرا و غربزده داشت. رجالی که کلید حل مشکلات و آدرس گشایش امور را در مسالمت یکطرفه با دشمن و اتخاذ راهبرد سازش و تسلیم می‌دانستند.

از سوی دیگر در هفت سال اخیر هم پوشانی و مکمل بودن «جریان تحریف» برای «جریان تحریم» و نوع مواجهه دولت با این جریان اغواگر نفوذی، خسارات متعددی به کشور وارد کرد که به عنوان نمونه، افزایش نابسامانی‌های اقتصادی، رقم خوردن واردات بی‌رویه، افزایش رکود و به تعطیلی کشیده شدن صنایع تولیدی کشور، کاهش ارزش پول ملی، کوچک شدن سفره مردم، افزایش فقر و تبعیض و فاصله‌های طبقاتی، دلسرد شدن مردم از انقلاب و اسلام، تنها بخشی از نتایج خسارت‌بار این هم پوشانی است.

مردم با بصیرت و هوشیار ایران باید بیش از پیش توجه داشته باشند که «جریان تحریف» و «جریان روزنامه‌های زنجیره‌ای» و «جریان مدعیان اصلاحات» که طی هفت و نیم سال گذشته، حمایت تام و تمامی از دولت موسوم به «تدبیر و امید» داشته‌اند، این روزها که بابت وضع نامناسب اقتصادی کشور علی‌رغم وعده‌های فراوان دولت متبوعشان (که آنچنان رونق اقتصادی ایجاد می‌کنم!) به شدت زیر سوال افکار عمومی است، و لذا به نظر می‌رسد که می‌کوشند با فرار رو به جلو و با نعل وارونه زدن و با پافشاری چندباره بر آدرس غلط «مذاکره و تسلیم و عقب‌نشینی و امتیاز دادن‌های هرچه بیشتر به آمریکا» و با زمینه‌سازی برای افزایش گرانی‌ها و بالا رفتن نارضایتی اقشار ضعیف و مستضعف جامعه، مردم و

متأسفانه این تحریف و این آدرس غلط «مذاکره و سازش»، با شعارها و مغالطاتی مانند «آمریکا کدخداست»، «آمریکا می‌تواند تمام توان نظامی‌ما را ظرف ۵ دقیقه نابود کند»، «خزانة خالی است»، «رفع تحریم‌ها و حل مشکل اشتغال و آب خوردن و آلودگی هوا منوط به مذاکره است»، «اوباما بسیار مودب است»، «نمی‌توانیم با قهر و انزوا در دنیا زندگی کنیم»، «نباید با شعارهای توخالی مقابل قدرت‌ها ایستاد»، «مکان ندارد آمریکا زیر تعهد بزند»، «اروپا با آمریکا فرق می‌کند و پای توافق می‌ماند» و... دائماً تشدید گردید و در ذهن افراد خودکم‌بین و بی‌بصیرت و ترسو این گونه گزاره‌های انحرافی و غلط تثبیت شد و به مردم این گونه تلقین نمودند که کشور در شرایط بن‌بست قرار دارد و چاره‌ای جز سازش و تسلیم و اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و دیپلماسی التماسی و استرحامی و انضمامی و انفعالی نیست.

به نظر می‌رسد که «جریان تحریف» نقش مکمل و متمم را در زمینه «تحریم» بازی می‌کند. در واقع «جریان تحریف» و «جریان تحریم» همانند دو لبه یک قیچی هستند که با عملیات نفوذ، در دستگاه محاسباتی افکار عمومی و همچنین دستگاه محاسباتی برخی مدیران تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، اختلال و برش ایجاد کرده و ریشه مشکلات اقتصادی و راه‌برون رفت از آن را واژگونه و وارونه نمایش داده و با دادن آدرس غلط «مذاکره و سازش» به افکار عمومی، ذهن‌ها و افکار را ویروسی و فلج نموده و در ادامه راهبرد صحیح «مقاومت و ایستادگی» را مخدوش و ناکارآمد نشان می‌دهند.

به بیان روشن‌تر «جریان تحریف» با ضربه زدن به روحیه و امید مردم، خدشه در خودباوری و اعتماد به نفس ملت، سیاه‌نمایی مشکلات و بزرگنمایی فسادها و تعمیم آن به همه ارگان‌ها و نهادها، مغالطه‌گری و فضا سازی‌های رسانه‌ای و راه‌اندازی عملیات روانی و اغواء و اغفال مردم، و با ارائه آدرس‌های غلط، نقش متمم و مکمل «جریان تحریم» را بر عهده دارد و به تیز کردن تیغ «تحریم‌ها» کمک می‌کند، تا کشور را در شرایط بحرانی و بن‌بست نشان داده و

دیگر به این ۴۵ هزار تومان نیازی نداریم!

«نگاهی به عملکرد اقتصادی دولت آقای روحانی»

■ علی ابراهیمی/ دبیر واحد روابط عمومی جامعه اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری

به قدری گسترده بوده است که همه دریافت کنندگان ارز ۴۲۰۰ تومنی اعضای اتاق بازرگانی بودند ولی باز هم تعدادی توانسته اند که ارز بگیرند و کالای مورد نظر را وارد نکنند. اگر در اینترنت عبارت «عملکرد مثبت اقتصادی دولت دوازدهم» را سرچ کنید، احتمالاً آخرین چیزی که برای شما هم در گوگل نمایش داده خواهد شد، گزارش عملکرد صد روزه دولت است که در آذر ماه ۹۶ منتشر شده است اما یکی از کارهایی که دولت انجام داد و در صورت انجام درست می توانست با کاهش تعداد افرادی که از دولت حقوق میگیرند و تقویت سمت خصوصی بازار، اثرات مثبتی بر اقتصاد داشته باشد، خصوصی سازی بود که دولت آن را نیز به بدترین شکل ممکن اجرا کرد تا کارگران حسابی به زحمت بیفتند و عدم پرداخت حقوق برای چند ماه را تحمل کنند تا مشکل آنها برطرف بشود. بزرگترین دستاوردی که دولت داشته است، این بوده که با اقتصاد بهتر از آلمان و تورم پایین توانسته است کاری کند که مردم برای خرید مایحتاج ضروری مجبور بشوند صف ببنند و کوپن بگیرند البته این روزها که به انتخابات نزدیک میشویم، دولت دست به انجام کارهایی زده است که اوایل سال ۹۲ آنها را کارهای غیر ضروری و انتخاباتی میدانست. دولت با سرعت سرسام آوری شروع به افتتاح طرح هایی کرده است تا بتواند بهره ی رسانه ای خود را از آن ببرد و حتی طوری وانمود میکند که بدون گرانی، کشور قابل اداره نبوده و مجبور به انتخاب بد، از بین بد و بدتر شده است. این در حالی است که دولت از بین خوب و بد، بدترین راه را انتخاب نموده است اما علیرغم اینکه این دولت از لحاظ اقتصادی برای مردم عادی و حتی قسمتی از پول دارها، جز ضرر چیزی نداشته است اما برای افرادی که خود را ابر طبقه میدانند و مدام در حال سفر به داووس هستند، خیلی سود داشته است و به پیروان پول دار مکتب نیاوران با رانت های مختلفی که داده است، خدمت رسانی کرده تا رضایت آنها را داشته باشد. البته از حق نگذریم، دولت به یک وعده خود عمل کرد. آن هم اینکه گفت: «چنان رونق اقتصادی ایجاد کنم که مردم دیگر به این ۴۵ هزار و پانصد تومان نیازی نداشته باشند.» عملی هم شد. دیگر نیازی نداریم چون عملاً به هیچ دردی نمیخورد. فقط آن زمان منظورش را درست نفهمیدیم.



احتمالاً بعد از معاملاتی که ما با ونزوئلا انجام دادیم، مطالبی در مورد وضع خراب اقتصاد ونزوئلا شنیده اید. اما چه چیزی باعث شده که اقتصاد ونزوئلا به این مشکل دچار بشود؟ در دهه ۹۰، آندرس پرز در ونزوئلا قدرت را به دست داشت. او این باور را داشت که اقتصاد نئولیبرالی، تنها راه نجات ونزوئلا است. پس در جهت ایجاد بازار آزاد تلاش کرد و حمایت خود به تولیدات داخلی را قطع کرد و شروع کرد به صادر کردن نفت به نقاط مختلف جهان و وارد کردن کالاهای مختلف تا بتواند ثبات در قیمت ها ایجاد کند. راهکاری که بسیار شبیه راه حل دولت اعتدال برای بیرون رفت از وضعیت خراب اقتصادی است که از سال ۹۲ و خصوصاً بعد از برجام، در ایران در دستور کار قرار گرفت. یکی از مولفه هایی که از نظر اقتصاد دانان موافق دولت، به عنوان نقطه روشنی در کارنامه اقتصادی دولت مطرح است، افزایش تبادلات اقتصادی با کشور های خارجی است. به عنوان مثال واردات از پرتغال ۱۴۷٪، انگلیس ۱۱۷٪، سوئد ۱۰۷٪ و فرانسه ۹۶٪ افزایش یافت اما چه چیزهایی در صدر افزایش واردات قرار داشتند؟ در صدر لیست افزایش واردات به کشور از انگلستان می شود به ذرت دامی، نی شکر، مکمل غذایی و تراکتور کشاورزی و از فرانسه به قطعات اتومبیل، جعبه دنده و وسایل نقلیه موتوری اشاره کرد. لازم به ذکر است که ما توانایی تولید این قبیل محصولات را داریم. موضوع وقتی عجیب تر می شود که بدانید ترمینال سازی و فرودگاه سازی به فرانسوی ها و نیروگاه سازی به ترکیه ای ها واگذار شده تا با پولی که خودمان میدهم، چیزی را که خودمان قدرت تولید آن را داریم، برای ما بسازند! کار غیر منطقی به نظر میرسد اما وقتی با دولتی سروکار داشته باشید که پسر مظلوم وزیر مسکن، راه و شهر سازی به علت اختلال در بازار مسکن دستگیر شده و دختر مظلوم وزیر دیگری به علت واردات غیر مجاز دستگیر شده، کم کم به عمق فاجعه ای که آقای حجتی از آن ناراحت بود و از آن صحبت می کرد که تعدادی از دولتی ها نقش دلال در بازار کشاورزی را ایفا میکنند و به کشاورزی ضربه میزنند، بیشتر پی میبریم. این دولت با حجم وسیعی از واردات همه نوع کالا از آب معدنی تا غذای سگ و گربه و صادرات بی رویه نفت خام طبق آمار صندوق بین المللی پول از سال ۲۰۱۵ تا بحال، توانسته است فقط متوسط هر سال ۱۰٪ GDP را افزایش بدهد. این در حالی است که طبق یکی از مقالات اساتید دانشگاه طباطبایی، اگر دولت فقط توجه خود را بر روی افزایش عملکرد اقتصادی استان ها، نه مراودات بین المللی می گذاشت، به طور متوسط در سال میتوانست رشد ۷۶٪ را در هر سال داشته باشد تا ستاد امر به معروف و نهی از منکر اصفهان را به این اندازه در دروسر نیندازد. تصمیم دیگری که دولتی ها در حوزه اقتصاد گرفتند، اختصاص دلار ۴۲۰۰ تومانی بود که با توصیه مجلس به دولت طی سال بعد به تدریج از دستور کار خارج خواهد شد. طبق گفته های محسن کوهکن، عضو کمیسیون صنایع مجلس، این طرح، ۲۲ میلیارد دلار برای کشور هزینه تراشیده و دامنه فساد



تیغ تیز اصلاحات بر گردن امنیت

انقلاب اسلامی و چالش‌های امنیتی (پروژه ۲۰۲۰)

■ سیدسجاد حسینی/دبیر واحد سیاسی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری

سال ۷۸ یعنی بعد از گذشت ده سال از سخنرانی مقام معظم رهبری، اولین چالش‌ها ظهور پیدا میکنند. چالش‌هایی که امروزه با نام‌هایی مانند «قتلهای زنجیره‌ای»، «کوی دانشگاه» و.. شناخته میشوند. اما یکی از پرخرج‌ترین این برنامه‌ها در سال ۸۸ و در جریان دهمین انتخابات ریاست جمهوری رقم می‌خورد

علیه کشور رقم زد. این پروژه با ریل‌گذاری در زمینه‌های دینی، فرهنگی و سیاسی کار خود را آغاز کرد. مقام معظم رهبری طی سخنرانی در هفتم آذر ۶۸ فرمودند: «اینجا راجع به اسلام، کارشناس و متفکر دارند که می‌نشینند بررسی میکنند و درباره ملت‌ها و اندیشه‌ها و روحیات و مذاهب گوناگون پرونده‌هایی درست میکنند و در مراکز تحقیقاتی، فرهنگی، جاسوسی و سیاسی خود، تمام آن پرونده‌های آرشیو شده را دوباره مطرح میکنند و کارهای تحقیقاتی جدید انجام می‌دهند. اینکه می‌شنویم در اسرائیل سمیناری تحت عنوان شناخت اسلام و تشیع برگزار میشود، به همین معنا و در همین جهت است. در بسیاری از جاهای دنیا، سمینار‌ها و جلسات تحقیقاتی تشکیل می‌شود و تزهای گوناگونی برای بازنگری به اسلام مطرح میگردد. استکبار تمام وجودش را اندیشمندانه در جهت مطلوب خودش به کار می‌برد و با فکر حرکت میکند. چون میدانند که اگر فکر و پیش‌بینی و آینده‌نگری نکنند؛ ضربه خواهد خورد. عالی‌ترین و ممتازترین دستگاه‌های فکری دنیا در اختیار استکبار است. اینها از پانزده یا بیست سال پیش برای مسائل بلندمدت سرمایه‌داری فکر و طراحی میکنند و نقشه می‌ریزند تا آینده از آنها جواب بگیرند.»

سال ۷۸ یعنی بعد از گذشت ده سال از سخنرانی مقام معظم رهبری، اولین چالش‌ها ظهور پیدا میکنند. چالش‌هایی که امروزه با نام‌هایی مانند «قتلهای زنجیره‌ای»، «کوی دانشگاه» و.. شناخته میشوند. اما یکی از پرخرج‌ترین این برنامه‌ها در سال ۸۸ و در جریان دهمین انتخابات ریاست جمهوری رقم می‌خورد. برنامه‌ای که با تأثیرگذاری بر روی خواص سیاسی و فرهنگی و با هدف براندازی نرم و مخملی نظام پیگیری می‌شود.

به نقل از «حیدر مصلحی» وزیر اطلاعات وقت: «فتنه سال ۸۸ بیش از یک اعتراض به نتیجه انتخابات بود و ابعاد آن فراتر از آن چیزی است که در تصورات عام وجود دارد»

برنامه آخر این پروژه که خسارات بارترین چالش نظام لقب گرفت؛ آبان ۹۸ و غائله بنزین و اعتراض به گران کردن آن بود. برنامه‌ای که سالها قبل در میز ایران در امارات و توسط «آیت

بعد از انقلاب صنعتی در اروپا و به تبع آن ظهور قدرت‌های جدید صنعتی مانند آلمان نازیسم و بروز جنگ‌های جهانی و خرابی و تضعیف نظام‌های اروپایی، تنها دو ابرقدرت بلوک شرق و غرب پدیدار شدند؛ بلوک شرق به نمایندگی جماهیر شوروی با ایدئولوژی نظام کمونیستی و بلوک غرب به سرکردگی آمریکا و جریان لیبرالیسم.

«فرانسیس فوکویاما» در تئوری سیاسی «پایان تاریخ» و نهادینه ساختن استراتژی «تهدید تایگرشات» مبنی بر سیطره لیبرالیسم به عنوان تنها نگاه برتر در جهان تک قطبی، این امر بیان شده است که نظم نوین جهانی با توجه به حوادث بلوک شرق و غرب و فروپاشی جماهیر شوروی در ابتدای قرن ۲۱ شکل میگیرد.

در بحبوحه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، انقلاب اسلامی ایران با شعار «نه شرقی نه غربی» در سال ۱۹۷۹ به پیروزی رسید. دو ابر قدرت شرق و غرب که از ظهور قدرتی جدید در منطقه واهمه داشتند؛ در جنگی نابرابر علیه انقلاب اسلامی برآمدند که با مقاومت هشت ساله مردم ایران در جهت پاسداری از نظام مواجه شدند. بعد از پایان دفاع مقدس، دشمنان انقلاب و در رأس آنها، آمریکا با طرح پرسش اینکه «چرا انقلاب اسلامی بعد از تحمل فشارها از پای درنیامد؟» از ایدئولوگ و تئوریسین‌های مطرح خود پاسخ این سوال را در خواست نمودند.

کنفرانس سه گانه (هامبورگ، تلاویو، واشنگتن) که با حضور استراتژیست‌های برتر مانند «فرانسیس فوکویاما، پاتریک کلاوسون، ساموئل هانتینگتون، کونتی مرمین و..» برگزار شد، حاوی مطالب و نظریه‌هایی بود که بعدها علیه انقلاب تئوریزه شد. مانند نظریه فوکویاما که شیعه را پرنده‌ای مجسم کرد که دو بال دارد؛ بال سرخ شهادت و بال سبز مهدویت و سپری به نام ولایت فقیه که او را از گزند تیرهای دشمن مصون می‌دارد. بعد از کنفرانس، بیش از صد اندیشکده آمریکایی و اروپایی بر روی این نظریه و تغییر نرم ساختارها در جمهوری اسلامی تحقیق و برنامه ریزی کردند. از خروجی‌های این برنامه‌ها طرح جامعی بود به نام «پروژه ۲۰۲۰» یا «موج سوم» که علیه ایران برنامه ریزی شده بود. پروژه‌ای که سه هدف ۱۰ ساله، ۲۰ ساله و در پایان ۳۰ ساله را جلوی خود می‌بیند که وظیفه آن براندازی نظام اسلامی است.

پروژه‌ای که بزرگترین چالش‌های امنیتی را در طول سی سال

بعد از پایان دفاع مقدس، دشمنان انقلاب و در رأس آنها، آمریکا با طرح پرسش اینکه «چرا انقلاب اسلامی بعد از تحمل فشارها از پای درنیامد؟» از ایدئولوگ و تئوریسین‌های مطرح خود پاسخ این سوال را در خواست نمودند.

الله مایک» معروف (مایکل دی بروئنه) بی ریزی شد. پروژه ای که رئیس جمهور ترکیه، رئیس حزب الله لبنان، گروه حشدالشعبی عراق و.. از وقوع آن مطلع بودند اما رئیس جمهور کشور از آن بی اطلاع بود!

در تمام این چالش های ده ساله (۷۸،۸۸،۹۸) نقطه مشترکی وجود داشت و آن حمله به کیان کشور و ولایت فقیه بود. چرا که دشمنان می دانستند، اگر سپر پرنده شیعه را هدف بگیرند به راحتی میتوان آنرا سرنگون کرد. نفوذی های داخلی که همدست دشمنان و از مظاهر چالش های امنیتی و در مسیر پیشبرد اهداف این پروژه هستند؛ به خوبی دریافته اند که راه حل تضعیف نظام از راه نرم و جنگ ادراکی شناختی (هیبریدی) وجود دارد و از این راه میتوان پنج قدرت جمهوری اسلامی یعنی هسته ای، موشکی، منطقه ای، فرهنگی و ولایت فقیه را از کشور خلع کرد. توافق نامه ها و سندهای بین المللی مانند برجام، fatf، cft، پالمو، ۲۰۳۰ و.. در واقع نوع دیگری از برنامه های همان پروژه است که علیه انقلاب طرح ریزی شده است. متأسفانه بعد از چهل سال مقاومت و رشادت مردم ایران اسلامی و سربازان گمنام امام زمان (عج) که وظیفه حضانت و پاسداری از مؤلفه های قدرت و امنیت کشور را برعهده دارند؛ نفوذی ها و نفوذپذیران به سهولت و کاملاً قانونی، آنها را از ملت ایران سلب و به دشمنان تقدیم میکنند.

تمام حوادثی را که دشمن با برنامه ریزی و طرح پروژه علیه انقلاب به کار برده و چالش های امنیتی را که با همدستی دوستانش در داخل خلق کرده، به لطف خداوند و تلاش چشمان بیدار محافظان کشور و برکت خون شهدای این راه پر افتخار، هیچ خللی به حرکت نظام مقدس وارد نکرده و بالعکس باعث تقویت و خودباوری جمهوری اسلامی شده است. امید است که مردم شریف ایران اسلامی که خود صاحبان اصلی این انقلاب و این نظام مقدس هستند، با بصیرت و هوشیاری مقابل برنامه ها و فتنه های دشمن بایستند و اجازه خودنمایی به آنها ندهند.

توافق نامه ها و سندهای بین المللی مانند برجام، fatf، cft، پالمو، ۲۰۳۰ و.. در واقع نوع دیگری از برنامه های همان پروژه است که علیه انقلاب طرح ریزی شده است.



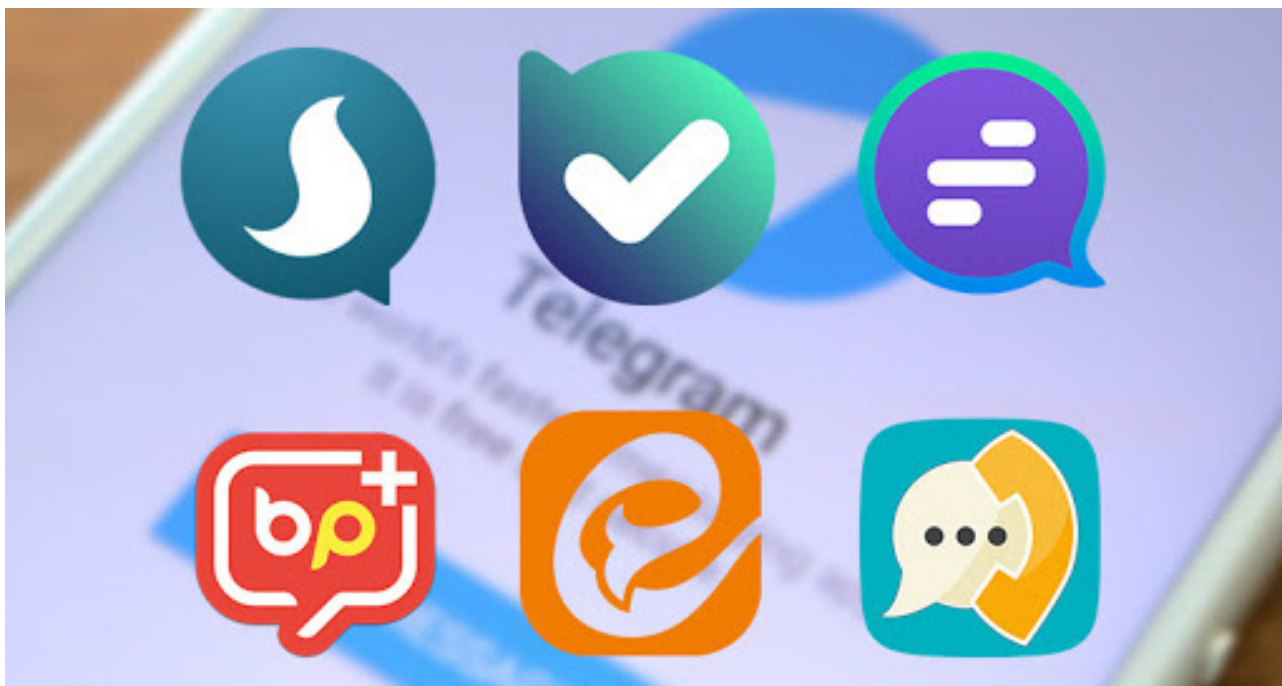
امید است که مردم شریف ایران اسلامی که خود صاحبان اصلی این انقلاب و این نظام مقدس هستند، با بصیرت و هوشیاری مقابل برنامه ها و فتنه های دشمن بایستند و اجازه خودنمایی به آنها ندهند.



پیامرسان داخلی را با پنبه سر بریدند!

«نگاهی به عملکرد دولت در حوزه رسانه و اینترنت»

■ شیوا ابراهیمی/ دبیر واحد فرهنگی جامعه اسلامی دانشجویان علوم پزشکی بیرجند



ایده ی اولیه شبکه ی ملی اطلاعات در سال ۱۳۸۴ با عنوان اینترنت ملی مطرح شد و هدف مسئولان این بود که تا سال ۹۵ به پایان برسد. تا پایان دولت دهم اصلاحاتی در طراحی این شبکه صورت گرفت و مرحله ی آزمایشی آن انجام شد. در دولت یازدهم، الزامات این شبکه از سوی شورای عالی فضای مجازی تعیین و نسخه ی اولیه ی آن افتتاح شد.

رهبر معظم انقلاب در سال ۹۶ در مورد اهمیت شبکه ی ملی اطلاعات فرمودند: «در مسئله ی فضای مجازی، آنچه که از همه مهم تر است، شبکه ی ملی اطلاعات است.»

هم چنین آذر ماه سال ۹۸ در نامه ای به آقای حسن روحانی، خواستار تسریع اجرای پروژه ی شبکه ی ملی اطلاعات شدند. شبکه ی ملی اطلاعات در ۳ لایه ی توسعه ی زیرساخت، خدمات و محتوا به تصویب شورای عالی فضای مجازی رسیده است. امروزه بعد از ۴ سال تاخیر و هزینه ی ۱۹ هزار میلیارد تومانی به نظر میرسد تنها بخش مربوط به زیرساخت های این طرح تا حدودی به سرانجام رسیده است و هنوز راه درازی تا اجرای کامل آن و دسترسی به یک بستر ارتباطی کاربردی ملی در پیش داریم.

بنابراین با توجه به عدم تکمیل شبکه ی ملی اطلاعات، در حال حاضر زمین جنگ نرم به حد زیادی در اختیار دشمن قرار دارد. علاوه بر آن، دولت دوازدهم توانسته است به استقلال نسبتاً کاملی در حوزه ی خدمات ابری برسد. تعداد مشترکین اینترنت در دولت تدبیر و امید به ۷۰ میلیون رسید و ضریب نفوذ کلی

دولت الکترونیک تا چند سال قبل تنها یک ایده آرمانی و آرزو بود اما پس از روی کار آمدن دولت یازدهم گام هایی برای آن برداشته شد و در دولت دوازدهم به سرعت پیش رفت. تعریف ساده ی دولت الکترونیک، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توزیع خدمات دولتی به صورت بر خط است. کاهش آلودگی شهری، کاهش فساد اداری، افزایش اشتغال به دلیل ارائه ی خدمات دولتی توسط بخش خصوصی، هر روز بر اهمیت استقرار دولت الکترونیک می افزاید. میزان ارائه ی خدمات دولت الکترونیک، در آغاز دولت یازدهم، ۱۰ درصد بود؛ که تا پایان امسال به مرز ۸۰ درصد رسید.

یکی از مهم ترین پیش نیازهای رشد دولت الکترونیک، اتصال به بستر مرکز ملی تبادل اطلاعات است. شبکه ی ملی اطلاعات که «اینترنت ملی» نیز نام میگیرد، بدین معنی است که وب سایت مراکز داده و خدمات داخلی چون بانک ها و نهادهای دولتی بر روی سرور های داخلی کشور قرار بگیرند. به نحوی که بدون نیاز به اینترنت جهانی و سرور های خارج از کشور، به کار خود ادامه دهند.

کاهش وابستگی شبکه ی جهانی اینترنت، افزایش سرعت و کاهش قیمت آن، امنیت سایبری و شناسایی و ممانعت از فعالیتهای خرابکارانه، تبدیل شدن به شاهراه انتقال اطلاعات منطقه و عدم خروج میلیون ها دلار ارز برای واردات بی رویه پهنای باند، اهمیت توجه دولت در به کارگیری شبکه ی ملی اطلاعات را دو چندان میکند.



دولت با اختصاص ۲۰۰ سرور به
تلگرام تلایایی و هاتگرام و کمک
نهاد دولتی برای تدارک پروکسی
که اقدامی در پوسته ای غیرقانونی
است، عملاً سبب شد پیش‌بینی
های مرتبط با استقبال عمومی
از پیام رسانهای داخلی به وقوع
نپیوندد.

اینترنت پهن دامنه در ایران در سال ۹۹ به ۹۸.۳۳ درصد و ضریب نفوذ اینترنت پر سرعت سیار به ۸۲.۲۸ درصد رسیده است.

از سال ۹۲ تاکنون افزون بر ۳ هزار روستای کشور به امکانات اینترنت دست پیدا کرده است.

افزایش پهنای باند سبب تسهیل در کسب و کار و آموزش و سلامت در ایام کرونا شد. هر چند نگاه افزایش پهنای باند بدون در نظر گرفتن ضوابط فرهنگی، ذهنیت اشتباهی است و ارتقای بخش فرهنگی باید متناسب با افزایش پهنای باند پیش برود.

بالا بردن سواد رسانه ای به همراه تدارک اینترنت ویژه ی کودکان و نوجوانان به همراه راه اندازی شبکه ی ملی اطلاعات و استفاده ی عموم از پیام رسانهای داخلی با محتوای فرهنگی مطلوب می تواند از آسیب های این فضا در حوزه ی فرهنگی بکاهد.

پیام رسان ها برای کسب مقبولیت عمومی فقط نیازمند سرور و پهنای باند نیستند و برای رشد نیاز به خدمات و حمایت های حقوقی دارند. از طرفی، قیمت بسیار ارزان تر اینترنت برای پیام رسانهای داخلی، قابلیت ها و جذابیتهای آن مثل تلویزیون اینترنتی و پرداخت الکترونیکی، سبب کوچ عظیم کاربرها پس از فیلترینگ تلگرام شد اما دولت با اختصاص ۲۰۰ سرور به تلگرام تلایایی و هاتگرام و کمک نهاد دولتی برای تدارک پروکسی که اقدامی در پوسته ای غیرقانونی است، عملاً سبب شد پیش‌بینی های مرتبط با استقبال عمومی از پیام رسانهای داخلی به وقوع نپیوندد.

علی رغم پیشرفت دولت الکترونیک و مستقر شدن بخش زیادی از زیرساخت های شبکه ی ملی اطلاعات، اقدامی کاربردی برای استفاده از پیام رسانهای داخلی صورت نگرفته و خلأ قانون گذاری در حوزه ی فضای مجازی و عدم توانایی نظارت بر محتوای کنونی پیام رسانهای خارجی و تاثیر سوء آن بر فرهنگ جامعه، سرعت بخشیدن به انجام مصوبات را ضرورت میبخشد.





معرفی کتاب

کتاب «ارزشیابی عملکرد دولت و سازمان‌های دولتی»

■ نویسنده: میر مهرداد پیدایی

انسان‌ها برای تامین نیازهای خود، سازمان‌ها را بنا نهاده‌اند و هر چه زمان می‌گذرد، نقش سازمان‌ها در سرنوشت

بشر از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد، به طوری که تصور زندگی بدون وجود سازمان ممکن نیست. به همین دلایل است که صاحب‌نظران توجه ویژه‌ای را در دهه‌های اخیر به مقوله سازمان و مدیریت معطوف نموده‌اند. پیتز دارکر در اهمیت سازمان می‌گوید: «مروزه جوانان باید فنون کار کردن در سازمان‌ها را بیاموزند، همانطور که پدران آن‌ها برای زندگی ناچار بودند امور کشاورزی را یاد بگیرند.»

می‌پردازد تا مسیر رشد حقیقی گم نشود. بدیهی است که در جای جای کتاب به آسیب‌های فعالیتهای فرهنگی آن‌گاه که از مسیر صحیح منحرف می‌شود اشاره شده است.

نخست به برنامه‌های توسعه ملی در قبل و بعد از انقلاب پرداخته شده و در پیوست دوم به آیین‌نامه‌ها و شاخص‌های ارزیابی سازمان‌های دولتی که از طرف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ابلاغ گردیده و در پیوست سوم و چهارم، ابزارها و نتایج ارزیابی حکمرانی خوب گنجانده شده است. در بخشی از کتاب ارزشیابی عملکرد دولت و سازمان‌های دولتی می‌خوانیم: سازمان اسکلک یا استخوان‌بندی است و مدیریت، فیزیولوژی اداره کردن است. سازمان ساختار و مدیریت عملکرد است اما هر کدام وابسته به هم هستند و بدون یکدیگر در هر سیستم اداری غیر قابل تصورند. سازمان در جستجوی الگو و ایستاست اما مدیریت در پی حرکت و پویاست. دقیق‌تر آن که، سازمان را می‌توان ساختار روابط شخصی و معمول ناشی از اختیارات در یک سیستم اداری تعریف کرد. همچنین در تعریفی دیگر ساختارهای محکم روابط متقابل افراد در یک سیستم اداری را سازمان می‌نامیم. (دانایی فرد، ۷۵۹۹)

کتاب ارزشیابی عملکرد دولت و سازمان‌های دولتی نوشته‌ی میر مهرداد پیدایی، علاوه بر شرح مفاهیم و نظریه‌های مدیریت دولتی به عنوان اساس و پایه اصلی نظام‌های اداری، فرایند ارزیابی در سه سطح اصلی کارکنان، سازمان‌ها و دولت را مورد بررسی قرار داده است.

با توجه به نقش و اهمیت سازمان‌های دولتی در فرایند توسعه کشورها و تاثیر گسترده تصمیمات و برنامه‌های اتخاذ شده، بر سایر حوزه‌های اقتصادی نظیر بخش‌های خصوصی، تعاونی‌ها و ... به نظر می‌رسد ارزیابی و پایش مستمر عملکرد این سازمان‌ها، بتواند ضمن آسیب‌شناسی و تعیین نقاط قوت و ضعف آن‌ها، زمینه مناسبی را برای برنامه‌ریزی بهتر در سال‌های آتی فراهم سازد.

مبنای ارزیابی در اولین سطح خود، کارکنان بوده که در دو بعد عملکرد و شایستگی تدوین گردیده و می‌تواند به عنوان عنصر اصلی در سازمان‌های دولتی نقش‌آفرینی کند.

در سطح دوم، واحد ارزیابی، سازمان‌هایی هستند که در قالب دستگاه‌های اجرایی در بدنه دولت فعالیت می‌کنند. بهره‌گیری از نظام‌های گوناگون کیفیت و تعالی در کنار الگوهای اختصاصی ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی از جهت‌گیری محوری محتوی این قسمت از کتاب ارزشیابی عملکرد دولت و سازمان‌های دولتی (public sector organizations and government performance evaluation) است.

در سطح سوم، مبنای ارزیابی، دولت و حاکمیت بوده و مقیاس ارزیابی در سطح کلان جامعه در نظر گرفته شده است. آنچه که در این فصل بیش‌تر مبنای عمل بوده، اصول، مبانی و معیارهای حکمرانی خوب می‌باشد که در ایران و چند کشور توسعه یافته و در حال توسعه مورد بحث قرار گرفته است.

مجموعه سطوح سه‌گانه ذکر شده در پنج فصل کتاب حاضر قرار گرفته و در انتهای اثر، چند پیوست به منظور مشاهده نمونه‌های عینی ارزیابی سازمان‌های دولتی در ایران ارائه شده است که در پیوست





فصل اقتصادی

نشریه تحلیلی تبیینی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان/ سال هفتم/ شماره بیست و هفتم/ نیمه دوم فروردین ماه ۱۴۰۰

بر سر بودجه چه می‌آید؟
مصاحبه با دکتر روح الله نجابت



صفحه ۱۸

بودجه ی سیاست زده
نگاهی به لایحه بودجه سال ۱۴۰۰

به قلم : تینا حاج محمدی
صفحه ۲۰

معرفی کتاب
نظام بودجه ریزی در ایران
به قلم : کریم محمدی و حسین وظیفه
دوست
صفحه ۲۱



مقام معظم رهبری:

آنچه امروز برای ما مشهود است و مقابل چشمان می‌بینیم، [این است که] خلأهای اقتصادی ما خلأهای بزرگی است. نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است؛ نیازمان این است: یک اقتصاد قوی و مطمئن و متکی به خود که دستمان به سمت دیگران دراز نباشد، بتوانیم انتخاب کنیم، بتوانیم حرکت کنیم، بتوانیم اقدام کنیم، بتوانیم روی قیمت نفت اثر بگذاریم، پول ملی را ارزشمند کنیم، قدرت خرید مردم را بالا ببریم؛ بدون یک اقتصاد قوی این‌جوری، نه به یک عزت مستمری خواهیم رسید، نه به یک امنیت مستمری خواهیم رسید؛ این چیزها را باید تأمین کنیم. اهمیت اقتصاد این است.

بر سر بودجه چه می آید؟

«مصاحبه با دکتر روح الله نجابت»

نماینده مردم شیراز و زرقان در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی؛ عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

– بودجه چیست و ساختار آن چگونه است؟ و به چه اموری اختصاص می یابد؟

بودجه سند دخل و خرج دولت است. دولت بر اساس اولویت های کشور، باید مصارف بودجه را تخصیص دهد. هزینه های جاری مانند حقوق کارکنان و هزینه های وزارتخانه ها و نهادهای دولتی، و هزینه های عمرانی از اصلی ترین مخارج دولت در بودجه هستند.

بودجه درواقع نشان دهنده همه دخل و خرج های دولت است. یعنی همه درآمدها و هزینه های دولت در سند بودجه ذکر می شود و در فرایند تصویب بودجه، از مجلس به عنوان نمایندگان مردم، اجازه می گیرد چه درآمدهایی داشته باشد و در چه جاهایی آن درآمدها را خرج کند.

به طور کلی بودجه دو بخش دارد؛ بودجه

عمومی (بودجه وزارتخانه ها و موسسات دولتی) و بودجه شرکت های دولتی.

در خصوص بودجه شرکت های دولتی چند نکته را ذکر کنم و بعد وارد بحث بودجه عمومی شویم. جنس بودجه شرکت های دولتی با دستگاه های اجرایی متفاوت است. بودجه دستگاه های دولتی و وزارت خانه ها، اعتباری است که از خزانه، دریافت و صرف امور جاری می کنند. اما بودجه شرکت ها از جنس گردش مالی آن ها است. لذا ماهیتا با بودجه دستگاه های دولتی متفاوت است. اما بودجه عمومی، دارای دو بخش منابع و مصارف است. در بخش منابع سه بخش وجود دارد، ۱- درآمدها، که شامل درآمدهای دولت است و درآمدهای مالیاتی و گمرکی بخش اصلی آن را تشکیل می دهند. ۲- واگذاری دارایی های سرمایه ای، که عمده آن درآمد حاصل از صادرات نفت (به عنوان یک دارایی سرمایه ای) است.

بحث واگذاری های دارایی های دولت نیز در این بخش قرار می گیرد.

۱) واگذاری دارایی های مالی که شامل فروش اوراق قرضه (اسناد خزانه) یا هر نوع استقراض دیگر (مانند استقراض دولت از صندوق توسعه ملی) است. در سمت مصارف نیز سه بخش عمده وجود دارد.

۲) هزینه های جاری دولت که عمده اجزای آن شامل حقوق دستمزد کارکنان دولت و کمک به صندوق های بازنشستگی است.

۳) اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای یا همان بودجه عمرانی که خود شامل سه بخش اعتبارات طرح های ملی، استانی و اعتبارات متفرقه است. لیست طرح های ملی که اعتبارات طرح های ملی را دریافت می کنند در بودجه موجود است اما فهرست طرح های عمرانی استانی در بودجه نیست و



بودجه و دو عضو از هر کدام از کمیسیون ها) به بحث و نظر گذاشته شده و پیشنهادات اصلاحی در آن قرار داده می شود. بعد از آن به صحن علنی آمده و همه نمایندگان در مورد آن رأی گیری خواهند کرد. در صورت رأی مثبت نمایندگان، بودجه برای تأیید به شورای نگهبان فرستاده خواهد شد و پس از تأیید این شورا، توسط رئیس جمهور ابلاغ خواهد شد.

۴- بودجه مطلوب، چه ویژگی هایی دارد؟ چرا مجلس در ابتدا کلیات بودجه سال ۱۴۰۰ را رد کرد؟

بودجه مطلوب باید در بخش درآمدها، واقع گرا باشد و درآمدهای موهومی شناسایی نکند. زیرا در صورت عدم تحقق درآمد ها، این امر تبدیل به کسری بودجه شده و در نهایت منجر به تورم خواهد شد.

در بخش هزینه ها نیز لازم است عدالت اجتماعی و پوشش حداکثری خدمات به اقشار جامعه را در نظر بگیرد و همچنین خدمت سیاست های کلی نظام و راهبردهای کشور باشد. اینکه چرا مجلس در ابتدا کلیات را رد کرد، باید در عوامل متعددی دید. از جمله

۱- عدم تناسب دخل و خرج پیش بینی شده در لایحه بودجه

۲- تعیین تکلیف نشدن منابع پایدار برای کسری بودجه و همچنین شکاف بالای هزینه و درآمد؛ به طوری که در بودجه ارائه شده توسط دولت، ۶۰ درصد هزینه ها نسبت به سال قبل افزایش یافته بود اما منابعی برای آن در نظر گرفته نشده بود.

۳- تورم زا بودن بودجه پیشنهادی

۴- وابستگی شدید بودجه به نفت و عدم انجام اصلاحات ساختاری

۵- در خصوص ارز ترجیحی (۴۲۰۰) هم ساز و کاری دیده نشده بود و تعیین تکلیفی در این زمینه صورت نگرفته بود.

۵- لایحه بودجه مصوب برای سال ۱۴۰۰ چه تفاوتی با لایحه رد شده دارد؟

تفاوت های اصلی موارد زیر بود.

۱) بر اساس نامه مقام معظم رهبری (حفظه الله) سقف برداشت از صندوق توسعه ملی تا ۲۰ درصد محدود شد.

۲) حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان صرفه جویی اعمال شد.

۳) حدود ۳۴ هزار میلیارد تومان بهبود کسری تراز عملیاتی رخ داد. (درآمدهای مالیاتی افزایش پیدا کرد)

۴) ۴ هزار میلیارد تومان صرفه جویی در هزینه شرکت های دولتی اعمال شد.

۵) اعتبارات عمرانی نزدیک به ۵ هزار میلیارد تومان بیشتر شد.

۶) نرخ ارز ترجیحی برای دارو و تجهیزات پزشکی حفظ شد.

برای کالاهای اساسی هم بنا شده است دولت طی ۶ ماه، اصلاحات لازم در خصوص ارز ترجیحی در این حوزه را انجام دهد و منابع حاصل صرف معیشت مردم شود.

۶- با این بودجه مصوب، سال آینده را چگونه ارزیابی می کنید؟

دولت با موضع گیری های سیاسی اش بنای این را داشت که آسیب های لایحه بودجه را متوجه مجلس سازد اما مجلس با رد کلیات خواستار اصلاح آسیب های آن به خصوص در مورد اقشار ضعیف جامعه شد.



صرفاً سرجمع اعتبارات عمرانی هر استان قابل مشاهده است. اعتبارات عمرانی متفرقه نیز در بودجه قابل مشاهده اند.

۴) واگذاری تملک های مالی که این بخش منابع حاصل از خریداری و تملک هر نوع دارایی مالی (مانند مبلغی که برای تسویه اوراق خزانه در نظر گرفته می شود) را نشان می دهد.

- چرا کشور به تنظیم بودجه نیازمند است؟ آیا بدون آن نمیتوان کشور را اداره کرد؟

دولت و متعلقات آن، نهاد عام المنفعه هستند. یعنی از خودشان سود دهی ندارند و نمی توانند با نگاه سود محور و تأمین هزینه ها، به ارائه خدمات بپردازند. لذا باید از محلی دیگر (مثلاً مالیات) تأمین مالی بشوند. بدون بودجه، امکان ارائه چنین فعالیت هایی وجود ندارد. البته با کوچک سازی دولت و حذف بسیاری از هزینه های غیر ضرور، می توان بودجه را نیز کوچک کرد و فرآیند تنظیم آن را کاهش داد.

منظور از کوچک سازی هم در اینجا یعنی کم کردن تصدی گری دولت در بخش شرکت های دولتی.

وقتی این شرکت های دولتی از بودجه حذف شوند یا کاهش پیدا کنند، حجم بودجه هم کاهش پیدا می کند و تنظیم و نظارت پذیری آن در این بخش راحت تر می شود.

هم اینکه وقتی دولت کوچک شود، هزینه های جاری دولت (حقوق و دستمزد) کاهش پیدا می کند که این مسئله میتواند موجب یکی از دو اتفاق زیر یا هر دوی آن ها شود.

یا میتواند با همان منابع قبلی، خدمات عام المنفعه بیشتری ارائه دهد (مثلاً سطح بهداشت را در مناطق محروم افزایش دهد، یارانه اقشار مستضعف را زیاد کند و...) یا اینکه درآمدها را کاهش دهد (مثلاً مالیات دریافتی از کارکنان را کمتر کند)

۳- بودجه از دولت تا مجلس چه مسیری را طی میکند تا به تصویب برسد؟

بودجه در سازمان برنامه و با همکاری وزارتخانه ها و نهادهای دولتی تنظیم می شود. در هیئت دولت تأیید شده و به مجلس فرستاده می شود. در مجلس نیز پس از ارائه بودجه توسط رئیس جمهور، بودجه به صورت تخصصی در کمیسیون ها و کمیسیون تلفیق (متشکل از تمام اعضای کمیسیون برنامه و

بودجه ی سیاست زده

«نگاهی به لایحه بودجه سال ۱۴۰۰»

■ تینا حاج محمدی/ دبیر واحد خواهران جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

پس از تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۰ و حواشی آن و نظرات مثبت و منفی و انتقاداتی که صورت پذیرفت، به بررسی آن با پنج خطایی که احتمالا برای برنامه ریزی های دولت بعدی ایجاد مشکلات عدیده ای می کند، میپردازیم.

از جمله مشکلاتی که تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۰ باعث ایجاد آن میشود، به غارت رفتن عدالت آموزشی است که نه تنها در بودجه بلکه رعایت این اهم در تمام نظام آموزشی، مورد بی عنایتی مسئولین قرار گرفته است. به گونه ای که افزایش فاحش بودجه ی مربوط به مدارس غیر انتفاعی، باعث تضعیف مدارس دولتی شده و هر کس که نگران آینده فرزندانش باشد، بدون شک روی به انتخاب مدارس غیردولتی می آورد. با توجه به اینکه در دیدار مجازی مقام معظم رهبری با روسای آموزش و پرورش، ایشان بر اینکه تنها مجرای ورودی معلمان به سیستم آموزش و پرورش از طریق دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی است، اما مسئله خرید خدمات به عنوان یکی از راه های جذب که متأسفانه در آن هیچگونه نظارت مناسبی چه از نظر تحصیلی و چه از لحاظ اخلاقی وجود ندارد، بدون گزینش و سنجش مناسب وارد مقوله حیاتی و خطیر آموزش می شود که قطعاً تبعات غیرقابل جبرانی به سطح کیفی نسل های آینده خواهد زد.

در بودجه ای که دولت ابلاغ کرد، نرخ ارز رسمی کشور با افزایش قابل توجهی روبرو شد و این به معنای پالس به دلال ها و بازار برای افزایش هرچه بیشتر نرخ ارز غیر رسمی می باشد. و طبق آمار، در هر سالی که نرخ ارز رسمی افزایش پیدا کرده، نرخ غیر رسمی ارز هم مسامحتاً به همان نسبت افزایش یافته و مشخصاً تمامی کالا ها چشمشان به تغییرات ارز و چگونگی روند آن است و به طبع آن مشخص و مبرهن است که چه بلایی بر سر معیشت مردم خواهد آمد.



انواع و اقسام این امر وجود دارد که متأسفانه در کشور ما، گفتمان رسمی کشور، نه تنها دولت، بلکه افراد زیادی اعتقاد چندانی به آن ندارد و از نظر کارشناسان اقتصادی، یکی از دلایل ممکن نشدن عدالت اقتصادی و به وجود آمدن فاصله و شکاف طبقاتی نیز همین است. در بودجه ۱۴۰۰ هم متأسفانه شاهد کاهش درآمد های مالیاتی هستیم.

که این یعنی دولت نهایت تلاشش را در روزهای پایانی خود برای طبقاتی شدن کشور اعمال کرد و این روند، غایتی جز جنگ طبقاتی نخواهد داشت.

با اینکه اصلاح بودجه ۱۴۰۰ در مواردی صورت پذیرفت و تصویب شد اما امید است در دولت بعدی با تکیه بر تولید داخلی و ایجاد تمهیداتی برای راه اندازی چرخه اقتصادی داخل کشور و سیاست گذاری برای رفع کامل تحریم ها و خنثی سازی آن زیر پرچم ولایت فقیه صورت گیرد و وضعیت کشور و معیشت مردم بهبود یابد.

از جمله خبط های غیرقابل اغماض در لایحه بودجه ۱۴۰۰، وابستگی به نفت است. به گونه ای که با طرز بسیار خوش خیالانه ای پیش بینی شده که حدود ۲,۳ میلیون بشکه نفت به فروش می رود! این مقدار بالاناشی از تصور دولت از رفع تحریم ها می باشد. در غیر این صورت و با وجود تحریم ها، راه دیگری برای ممکن شدن این امر وجود ندارد. و این به معنای زمینه چینی و فشار دولت برای نشان دادن تنها راه بهبود وضعیت مذاکره مجدد و پشت میز نشینی دوباره با غربی ها است. این هم سند دیگری مبنی بر اینکه تصویب بودجه ۱۴۰۰ یعنی تضعیف معیشت مردم؛ چون راهکار دولت برای جبران کسری بودجه، فروش مقدار غیر واقعی نفت بوده و مشخصاً این امر شدنی نیست.

از جمله معضلات کشور، معیوب بودن نظام مالیاتی است. و یکی از راه های تحقق عدالت، به رسمیت شناختن مالیات است. مالیات بر خانه های خالی و مالیات بر درآمد و مالیات از ثروتمندان و بساز و بفروش ها و پزشکان و سلبیته ها و ...





معرفی کتاب

کتاب «نظام بودجه ریزی در ایران»

■ نوشته کریم محمدی
و حسین وظیفه دوست

یا کاهش نوسانات اقتصادی استفاده شود و تعادل سالانه جای خود را به تعادل ادواری بدهد و بتوان با اعمال سیاست‌های انقباضی با تورم و از طریق اعمال سیاست کسر بودجه با رکود به مقابله پرداخت. طرفداران نظریه سوم، که در مقایسه با دو نظریه قبلی حالت بینابینی دارند، معتقدند بودجه دولت باید در یک دوره تجاری چند ساله متوازن شود. اینان از نارسایی‌های ناشی از تعادل سالانه در بودجه و همچنین مشکلات ناشی از عدم تعادل در طولانی‌مدت آگاه هستند و خواهان وضعیتی هستند که بتوان کسری ایجاد شده در دوره رکود اقتصادی را با مازاد دوره رونق اقتصادی جبران کرد. به عبارت دیگر، آن‌ها خواستار ایجاد تعادل بودجه دولت به صورت دوره‌ای هستند. نظریه سوم در مقایسه با دو نظریه قبلی از قوت بیشتری برخوردار است.

تا به وسیله آن بتوانند نیازهای مردم را با اداره امور جامعه و منابع و وسایلی که در اختیار دارند، منطبق و هماهنگ ساخته و در نهایت، میان آن‌ها توازن و تعادلی منطقی و قابل قبول ایجاد نمایند. این کتاب علاوه بر توضیح مفاهیم اولیه و اساسی بودجه، اصول آن و روش‌های طبقه‌بندی بودجه را با زبانی ساده توضیح می‌دهد؛ همچنین نحوه تهیه و تنظیم بودجه، روش‌های بودجه‌ریزی، تصویب و نظارت بر بودجه را بررسی می‌کند. علاوه بر این موارد، در کتاب نظام بودجه‌ریزی در ایران (Budgeting Systems in Iran) به روش‌های نوین بودجه‌بندی اشاره شده است. در کتاب نظام بودجه‌ریزی در ایران می‌خوانیم:

پیشرفت و تکامل فن بودجه‌ریزی موجب شده است که از بودجه برای جلوگیری

کتاب نظام بودجه ریزی در ایران نوشته کریم محمدی و حسین وظیفه دوست، اصول بودجه‌ریزی و روش‌های آن را تبیین کرده و مفاهیم اساسی و اولیه بودجه را شرح می‌دهد.

در تعاریف اولیه، از بودجه‌بندی به عنوان علم ایجاد موازنه منطقی بین دخل و خرج یاد شده که از این منظر، از جمله تجربه‌های طبیعی و قدیمی بشر محسوب می‌شود. مطالعات صورت گرفته گویای این مطلب است که انسان در ادوار گذشته، با تکیه بر کار و کوشش خود و با کمک گرفتن از ابزار و روش‌های در دسترس در جهت تأمین نیازهای طبیعی و ضروری خویش، از شیوه‌های بسیار ابتدایی برای نگه داشتن هزینه و درآمد و موازنه اقلام مربوط به دخل و خرج روزانه خود بهره می‌برده است.

اما به تدریج و با بیشتر شدن تمایل مردم به شهرنشینی، که با توجه به افزایش فهم عمومی نسبت به ضرورت و منافع زندگی اجتماعی، این نوع هم‌زیستی را در مقایسه با مسائل فراروی و نیز مشکلات پراکنده و انفرادی اولیه، اجتناب‌ناپذیر ساخته بود، انسان‌ها بر آن شدند تا با پرداخت مبلغی از درآمد خود، قسمتی از نیازهای زندگی اجتماعی را به وسیله دستگاهی که اصطلاحاً حکومت و بعداً دولت نامیده شد، مرتفع سازند.

این امر باعث شد دولت نیز در راستای استمرار و بقای موجودیت خود، موازنه‌ای بین دخل و خرج ایجاد نماید. البته انجام این امر برای دولت در سطحی وسیع‌تر و پیچیده‌تر، که مولود گسترش وظایف و مسئولیت اداره امور عمومی و حفظ امنیت جامعه بود، ضرورت یافت و به تبع آن، دولت‌ها ناچار به ایجاد سازمانی شدند





فصل فرهنگی

نشریه تحلیلی تبیینی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان/ سال هفتم/ شماره بیست و هفتم/ نیمه دوم فروردین ماه ۱۴۰۰

تغییر هدف از تصرف سرزمین تا
تسخیر هویت
تاریخچه و مفهوم جنگ نرم
به قلم : محبوبه خاکپور

صفحه ۲۳

پروژه نرم ترویج فرهنگ غرب
علل وجود و اهداف جنگ نرم
به قلم : محمدرضا ضیاآبادی

صفحه ۲۴

بازی در زمین رسانه ای دشمن
تاثیر و نقش جنگ نرم
به قلم : فاطمه محمدی

صفحه ۲۵

استراتژی نبرد با ارزش ها
ابزارها و تاکتیک های دشمن در جنگ
نرم و مقابله با آن
به قلم : مهدیه ملک محمدی

صفحه ۲۷

معرفی کتاب
ابزارهای جنگ نرم علیه جمهوری
اسلامی ایران
اثر: امیر هوشنگ طهماسبی

صفحه ۲۸



جهت آپلود فایل نشریه بارکد بالا را
اسکن کنید



اگر جهت زندگی دانشجو این باشد که به مسائل جامعه و آنچه
که می گذرد بی اهمیت، بی اهتمام، بی علاقه و بی مبالا باشد،
مصیبت خیلی بزرگی است.

مقام معظم رهبری (ره)

تغییر هدف از تصرف سرزمین تا تسخیر هویت

«تاریخچه و مفهوم جنگ نرم»

■ محبوبه خاکپور / دبیر واحد نشریات جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری



به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی می‌شود» می‌داند.

ارتش ایالات متحده آمریکا در آیین رزمی خود، آن را بدین صورت تعریف نموده است. «جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف و یا گروه‌های دوست است. به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد».

با عنایت به تعاریف فوق، معروفترین تعریف را به جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی در حوزه «قدرت نرم» نسبت می‌دهند. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰، قدرت نرم را «توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد. تعریفی که قبل از وی «پروفسور حمید مولانا» در سال ۱۹۸۶ در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین الملل» به آن اشاره کرده بود.

بنابراین جنگ نرم، هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه را نشانه گرفته و بدون درگیری فیزیکی و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا میدارد، است. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال جنگ نرم است.

به عبارت دیگر، جنگ نرم مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی می‌باشد. در علوم نظامی از واژه‌هایی مانند جنگ روانی یا عملیات روانی استفاده می‌شود و در علوم سیاسی میتوان به واژه‌هایی چون براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیراً به واژه انقلاب رنگین اشاره کرد. در تمامی اصطلاحات بالا، هدف مشترک، تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر بدون استفاده از راه‌های نظامی است.

در یک تعریف کاملتر میتوان گفت، جنگ نرم یک اقدام پیچیده و پنهان متشکل از عملیات‌های سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی توسط قدرت‌های بزرگ جهان، برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب در کشورهای هدف است.

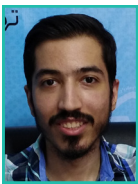
تا سال ۱۹۴۵ میلادی، غالب جنگ‌ها «جنگ سخت» بود. پس از آن، با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و بلوک غرب، دور جدیدی از رقابت‌ها میان آمریکا و شوروی سابق آغاز شد که به «جنگ سرد» مشهور شد. جنگ سرد ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم بود که طی آن، دو ابر قدرت در عین تهدیدهای سخت از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کردند.

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و پایان جنگ سرد، کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد، دریافته‌اند که می‌شود با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها به اهداف سیاسی، اقتصادی و... دست یافت که در ادبیات سیاسی جهان به جنگ نرم شهرت یافت.

«جنگ نرم» با مختصات تئوریک و پراتیک جدید خود، بعد از شروع جنگ سرد (Cold War) و در اوج آن یعنی در دهه ۱۹۷۰، با مشارکت اساتید برجسته علوم سیاسی و علوم ارتباطات از جمله جوزف نای، هارولد لاسول، جان کالینز، اعضای برجسته آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) CIA (Central Intelligence Agency) و فرماندهان ارشد پنتاگون با تأسیس مرکزی تحت عنوان «کمیته خطر جاری» طراحی، تدوین و عملیاتی شد که مهمترین هدف آن، بمباران تبلیغاتی علیه بلوک شرق و به ویژه شوروی بود که ظاهراً بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کمیته به «کمیته صلح جاری» تغییر کرده و همچنان فعال است و کانون تهاجمات روانی آن، جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی ایران و هواداران منطقه‌ای آن از جمله حزب الله، حماس و کشورهای دوست ایران می‌باشد.

حال باید بینیم جنگ نرم چیست! جنگ نرم به هر گونه اقدام روانی و تبلیغاتی گفته می‌شود که هدف آن، جامعه یا گروه است و عمده تفاوت آن با جنگ سخت (نظامی)، عدم درگیری و استفاده از سلاح‌های نظامی می‌باشد؛ زیرا در جنگ نرم از سلاح‌های تبلیغاتی، اعتقادی استفاده می‌شود.

«جان کالینز» تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط

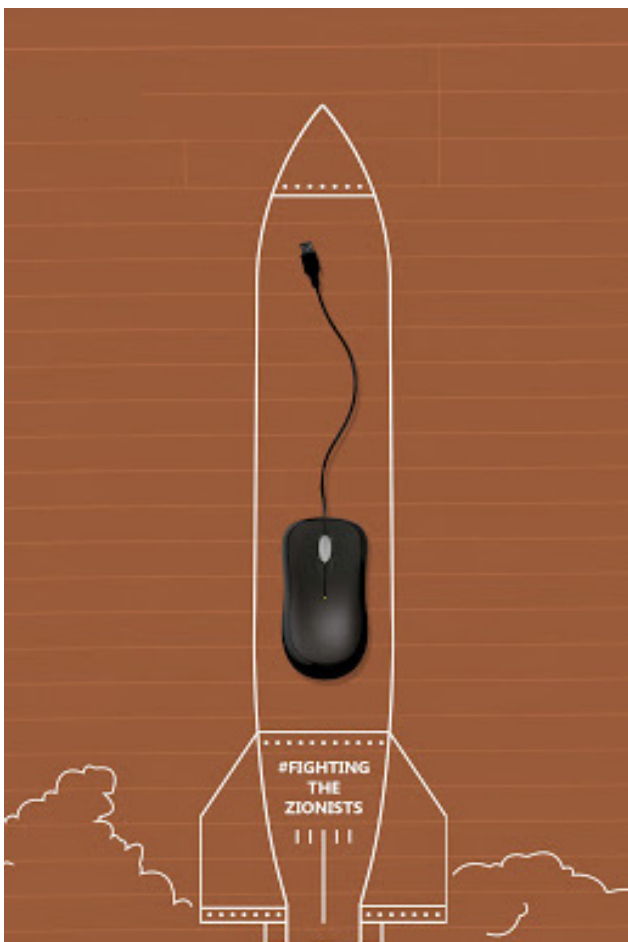


پروژه نرم ترویج فرهنگ غرب

«علل وجود و اهداف جنگ نرم»

■ محمدرضا ضیا آبادی/ دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان

بگویم تمام ابزارها باید فضای دین‌گرایی و اخلاق در جامعه جوانان ایران که اساسی‌ترین راهبرد برون‌رفت جمهوری اسلامی از چالش‌های متعددی نظیر جنگ، تحریم و غیره است را پاک کرد و اخلاق دینی را از این جامعه دور کرد که در غیر این حالت هر برنامه‌ای با شکست روبه‌رو خواهد شد. بطور کلی اهداف جنگ نرم عبارت‌اند از: استحاله فرهنگی، استحاله سیاسی و تخریب چهره‌های ارزشی و نهادهای انقلابی، ایجاد ناامنی، رعب، ترس و شایعه، تفرقه و اختلاف درونی، ترویج روحیه ناامیدی و کسالت به جای شادابی و نشاط، ترویج بی‌تفاوتی در برابر مسائل مهم کشور، تقویت نارضایتی و دامن زدن به آن و اختلافات قومی و سیاسی، تلاش برای بحرانی جلوه دادن اوضاع کشور، تضعیف ساختار سیاسی و براندازی. در پایان لازم است مسئولین توجه بیشتری در بحث فرهنگ و از همه مهم‌تر، بکارگیری جوانان در امور و رفع دغدغه‌ها و نیازهای آنان باشند. چراکه آینده‌سازان ایران، جوانان هستند و نباید این سرمایه‌ها را از دست داد.



خواندید که با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و پایان جنگ سرد کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافتند که می‌شود با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها به اهداف سیاسی، اقتصادی و... دست یافت که در ادبیات سیاسی جهان به جنگ نرم شهرت یافت. آمریکایی‌ها با استفاده از قدرت جنگ نرم، موفق به تغییر رژیم‌های سیاسی در کشورهای چون لهستان، گرجستان، چک اسلواکی، قرقیزستان، اوکراین و تاجیکستان گردیدند. در تمامی این دگرگونی‌های سیاسی بدون استفاده از ابزار خشونت و صرفاً با تکیه بر قدرت نرم و ابزار رسانه، با تغییر در ارزش‌ها و الگوهای رفتاری از رژیم‌های سیاسی حاکم، مشروعیت‌زدایی گردید و از طریق جنبش‌های مردمی و ایجاد بی‌ثباتی، قدرت سیاسی جابه‌جا شد. جنگ نرم در قالب‌های مختلف مثل: انقلاب مخملی، انقلاب‌های رنگی (انقلاب نارنجی و...)، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای، با استفاده از ابزار رسانه‌ای (رادیو، تلویزیون، روزنامه و امثال آن) و ... توانست نظام سیاسی بعضی از کشورها مانند اوکراین و گرجستان را تغییر دهد. آمریکا نیز در ایران، تمام تلاش و امکانات خود را بکار گرفت تا بتواند نظام سیاسی کشور را تغییر دهد اما در موارد متعددی، تلاشش ناکام ماند و بصیرت مردم ایران، سیلی محکمی را به دشمنان قسم خورده نظام جمهوری اسلامی زد. فتنه‌گرانی که در فتنه سال ۸۸ با القای قلب در انتخابات، حدود ۹ ماه کشور را به آشوب کشیدند و تماماً از خارج از کشور حمایت شدند. نهایتاً در حماسه ۹ دی، مردم ایران با بصیرت کامل به این آشوب‌ها پایان داده و با ولی خود تجدید بیعت کردند و نقشه شوم دشمنان شکست خورد. در ۴ سال اخیر هم دشمنان با فشارهای حداکثری و القای ناکارآمدی کل نظام و ترویج عدم رضایت مردم، خواستند فتنه‌ای دیگری را رقم بزنند. لازم به ذکر است که در آبان ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، سوءمدیریت دولت و عدم کنترل قیمت‌ها، منجر به اعتراض مردم شد که در این بین، عده‌ای از افراد تحت حمایت دشمنان بین مردم آمده و فتنه‌ای را خواستند رقم بزنند که ملت ایران، مجدداً صف خود را از صف فتنه‌گران جدا کرد و مقام معظم رهبری نیز این نکته را متذکر شدند. دشمنان در سال ۹۸ هم نتوانستند کاری از پیش ببرند و مجدداً شکست خوردند. مقام معظم رهبری نیز از قبل فرموده بودند که دشمنان در صدد فتنه‌ای مجدد هستند که با درایت رهبری و بصیرت مردم، این امر شکست خورد. از این موارد گذشته و وارد عرصه فرهنگی می‌شویم. دشمن در این حوزه، موفق عمل نموده و متأسفانه کارها در زمینه فرهنگ کم بوده و فرهنگ غربی کم‌کم به جامعه ایرانی وارد شده که همت مضاعفی را از سوی مسئولین می‌خواهد. راس برن، محقق مرکز مطالعات پیشرفته یهودی دانشگاه پنسیلوانیا تاکید دارد: «با استفاده از هر ابزار یا بهتر

بازی در زمین رسانه‌ای دشمن

«تاثیر و نقش رسانه در جنگ نرم»

■ فاطمه محمدی/ دبیر واحد خواهران جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی قم



رسانه به تکنولوژی‌هایی که پیام‌ها را به مخاطبانی در نقاط مختلف منطقه، کشور و حتی جهان منتقل می‌کنند، گفته می‌شود. این مورد، یکی از تعاریف رسانه است و رسانه، تعاریف مختلف و گسترده‌ای دارد؛ اما سه مولفه هست که کم و بیش در تمامی تعاریف به آنها اشاره شده است: اطلاعات و محتوا، مخاطب و بستر ارتباطی.

به جنگ نرم به نوعی سرعت می‌بخشند و به دام آن می‌فتند و دشمن را در حصول نتیجه، جلو می‌اندازند و به جای مقابله با دشمن با او همراه می‌شوند.

اول، فرق روایت و خبر در چیست؟ در یک خبر، مسئله‌ی مورد بحث، دقیق و عیناً مطابق آنچه که هست، بدون اضافه یا کم کردن جزئیات، آورده می‌شود اما در روایت، مردم با توجه به برداشت‌های خود از یک حادثه، هرآنچه را که می‌بینند و یا می‌شنوند، روایت می‌کنند. حال ربط خبر و روایت با رسانه چیست؟

از دیروز تا به امروز، همراه با پیشرفته شدن رسانه‌های جمعی، مخاطبین رسانه از کاربر به شهروند-خبرنگار و از آن به شهروند-رسانه ارتقا یافتند و همین مورد، بحث روایت‌گری را قوت بخشید و در خیلی موارد می‌توان گفت امروزه در میان مردم روایت جای خبر را گرفته است. اصل روایت‌گری یعنی اینکه یک فرد، چه تعریفی از جامعه دارد. به طور کلی، مردم آنچه را که می‌بینند و چیزی از آن می‌فهمند، بیان می‌کنند. یک روایت از دو بخش خرده روایت و ابر روایت تشکیل می‌شود و ابر روایت است که مشخص می‌کند یک خرده روایت به چه شکل تعریف شود و این خرده روایت‌ها ذیل ابرروایت‌ها تحلیل می‌شوند و اینجاست که جهل باعث می‌شود خرده روایتی به ابرروایت تبدیل شود. یک مثال قضیه‌ی دختر آبی هست. به فاصله‌ی

رسانه به معنی هر وسیله‌ای است که انتقال دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد. و اکنون آن چه مصداق این تعریف است، وسایلی همانند روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، اینترنت، CD ها، ویدئو و... می‌باشند.

این تعریف را در گوشه‌ای از ذهن خود نگه دارید. حال به دنبال تعریفی از کلمه جنگ نرم می‌رویم. مفهوم جنگ نرم (Soft Warfare) در مقابل جنگ سخت (Hard Warfare) قرار دارد و تعریف واحدی که مورد پذیرش همگان باشد، ندارد.

بنابراین جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وای می‌دارد، تعریف کرد.

حال می‌خواهیم به کاربرد رسانه در جنگ نرم بپردازیم. رسانه در کجای جنگ نرم قرار می‌گیرد و چه سهمی در آن ایفا می‌کند؟

با توجه به تعاریف رسانه و جنگ نرم و با وجود اینکه هر کدام، انواع متنوعی دارند؛ به توضیح دو مورد اکتفا می‌کنیم تا کمی بیشتر با این مقوله آشنا شویم.

مسئله‌ی اصلی در هر جنگی، دشمن است اما در این مقاله، قصد داریم به دو موردی بپردازیم که در آن، مردمانی از کشور هدف

یک الی دو روز بعد از دختر آبی، پسر آبی خودکشی کرد اما پسر آبی را نمی‌شناسیم؛ چون روایت دختر آبی با این ابرروایت در سطح رسانه‌ای پخش شد که ایران اجازه‌ی حضور دختران در استادیوم را نمی‌دهد و خرده روایت‌های متعددی از سوی هر یک از شهروند-رسانه‌ها مطابق با عقاید و تعریفش از جامعه و ... با سایرین به اشتراک گذاشته شد. خرده روایت‌های کف خیابانی با ابرروایت‌های ضدانقلاب دامن زده می‌شوند و مشکل اساسی اینجاست که ریشه‌ی آنها چیزی نیست جز جهل. دشمن، ابرروایت‌هایی را در زمان‌های خاص وارد فضای رسانه‌ای می‌کند تا طبق آنها خرده روایت‌ها را تحلیل کنیم. در حال حاضر منبع اکثر خبرهایی که می‌شنویم را نمی‌دانیم زیرا که حاصل روایت‌های مردم هستند و یک منبع جامع را برای آن نیافته‌ایم. این شکل از جنگ نرم، جنگ در حوزه‌ی ذهن نام دارد و تمامی جنگ‌های روانی و اقتصادی و ... حاصل این جنگ ذهنی هستند. قدرت دست به دست شدن و قدرت برانگیختگی احساسات، دو قدرتی هستند که باعث می‌شود یک روایت بیشتر پذیرفته و پخش شود. روایت‌های موجود در جامعه، قصه‌های خود آدم هاست در زندگی خودشان و از طرفی مردم بیشتر به دنبال قصه هستند تا خبر و تحلیل. قصه‌ای شامل علت و معلول که دارای قهرمان و ضدقهرمان باشد. روایت هیچ ربطی به واقعیت ندارد و فقط مرتبط با ذهن مخاطب است و دشمن این مسئله را خوب فهمیده است. و حال کار درست در مقابله با این مسئله چیست؟ باید در تلاش باشیم تا روایت از حق تبدیل به روایت مسلط شود و دقت کنیم که هر لایک و تایید ما یک اثر بزرگ دارد. و البته وظیفه‌ی ما تنها پخش ابرروایت نیست بلکه باید خرده روایت‌ها را نیز از لحاظ توحیدی، تحلیل و بررسی کنیم و در این راه دو مولفه وجود دارد؛ یک، درگیر کردن قلب و ذهن و دو، قدرت جمعی ما. باید به صورت جمعی، یک خرده روایت را از نظر واقعی بیان کنیم؛ به طوری که در نهایت، خرده روایت ما به ابرروایت مسلط جامعه تبدیل شود.

مورد بعدی، دامن زدن به شایعه‌ها توسط مردم کشور مورد هدف و ناخواسته به دام توطئه‌ی دشمن افتادن و یا به تعبیر دیگر، بازی در زمین دشمن است. معمولاً مردم در رسانه، شبکه‌ی مستقیم را می‌بینند. برای مثال توپیت یک وزیر و از این قبیل و همان را دست می‌گیرند و پخش می‌کنند و به دنبالش تحلیل‌ها و بررسی‌ها و غافل از آن شبکه‌ی اصلی یعنی شبکه‌ی غیر مستقیم که رهبریش به دست سردمداران جنگ نرم است. امروزه رسانه، کاربرد وسیعی در عرصه‌ی جنگ نرم دارد. حال، همسو شدن با رود پر خروشی که این جنگ به راه انداخته و سرازیر شدن در گرداب جهل و یا پناه بردن به عقل و خرد و روشننگری است که پیروزی و یا شکست در این جنگ آرام را مشخص خواهد کرد.



استراتژی نبرد با ارزش ها

«ابزارها و تاکتیک های دشمن در جنگ نرم و مقابله با آن»

■ مهدیه ملک محمدی/هیئت نظارت جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه یزد

شگردها، هنرهای تبلیغاتی و ابزارهای آنان را در این تهاجم به خوبی شناسایی کنیم و در صدد مقابله با آنان برآییم.

تغافل ما در شناخت این ادوات در جنگ نرم با دشمن، چه بسا سبب آن گردد که در جبهه ای سنگر بگیریم که پشت خاکریزهای آن دشمنی نباشد. این جنگ که به پهنای همه ارزش ها و آرمان های اسلامی مردم ما می باشد؛ همه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی،

سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... ما را درگیر کرده است.

از جمله ابزارهای کلیدی دشمن در این تهاجم را می توان رسانه ها و ارتباطات جمعی، روزنامه ها، مجلات خبری، شبکه های رادیویی و تلویزیونی، اینترنت، فضای مجازی، ماهواره ها، اسباب بازی ها، نمادها و مد ها، ادبیات مکتوب چون رمان ها و داستان کوتاه و همچنین استفاده از ظرفیت مراکز علمی در این خصوص دانست.

شاید با توجه به گستردگی فضای رسانه در دنیای امروز بتوان گفت کلیدی و اصلی ترین ابزار دشمن در جنگ نرم، قدرت رسانه ها و فضای مجازی می باشد. جنگ امروز، جنگ فکر است و دشمن با وارونه جلوه دادن دستاوردها و پیشرفت ها، دامن زدن به شقاق بین دولت و ملت و تزریق افکار منفی به نسل جوان و نقش مبانی اسلامی و دین مبین اسلام و آرمان های مسلمانان، قصد فلج کردن افکار دینی و خشکاندن ریشه های ایمانی در اذهان و قلوب ملت را دارد.

حال این سوال پیش می آید که راه مقابله با جبهه باطل در این

رشادت های غیورانه ملت ایران و فرزندان اسلام در جنگ تحمیلی و در نبرد با جبهه کفر یکبار، هیمنه پوچ دشمن را به زیونی کشانده است. دشمنان ما امروز دریافته اند که راه غلبه بر ملت ایران، راه سخت افزارهای دیروز نیست. بلکه امروز اذهان، قلوب و باورهای ملت ما را نشانه گرفته اند و با تمام امکانات و شگردهای خود به عرصه جنگ نرم با ملت ایران آمده اند.

آنان خوب دانسته اند روحیه ایثار و فداکاری، شجاعت و جهاد با مال و جان در فرزندان این ملت، ناشی از تبلور اندیشه ناب اسلامی در اذهان آنان است. امروز جنگ ما با دشمن، نبرد سلاح های سرد و بمب های شیمیایی نیست بلکه نبرد ارزش و آرمان و تفکر است. دشمنان ما امروز واقف اند که تا این ارزش ها و باورهای قلبی به آرمان ها و اصول اصیل اسلامی در رگ های ملت ایران جریان دارد، نمی توانند کاری از پیش ببرند. پس با تمام توان و تجهیزات به میدان آمده اند.

با توجه به ماهیت این جنگ که تسخیر ذهن و فکر مردم و نابودی ارزش های اسلامی در نظر آنان است، نمی توان گفت ابزارهای این جنگ محدود و محصور به ابزارهایی خاص است؛ بلکه در این جنگ همه جانبه و تمام عیار جبهه کفر با ملت ایران، دشمن همه جانبه به میدان آمده و برای همه لایه های اجتماعی و سطوح سنی، برنامه و نقشه دارد. اگر ما بخواهیم در این جنگ به درستی مقاومت کنیم و توطئه های دشمنان را خنثی نماییم، مستلزم آنیم که ایده ها،





معرفی کتاب



کتاب

«ابزارهای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»

■ نوشته امیر هوشنگ طهماسبی

کتاب «ابزارهای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران» تألیف امیر هوشنگ طهماسبی پور توسط نشر ساقی در سال ۱۳۹۰ خورشیدی به چاپ رسیده است.

این کتاب جزو مجموعه کتاب‌هایی است که به هدف آشنایی با ابعاد مختلف جنگ نرم، جنگ سایبر و تهدیدها در فضای مجازی و اینترنت تدوین شده‌اند.

نویسنده در پیش‌گفتار آورده است امروزه جنگ نرم و عملیات روانی به گفتمان حاکم بر سپهر سیاست تبدیل شده است و گرایش به بهره‌گیری از قدرت افکار عمومی و سرمایه‌های اجتماعی در پی افزایش هزینه‌های نظامی‌گری و ناکارآمدی آن در برآوردن اهداف سیاسی حکایت از دگردیسی مفهوم قدرت از نگرش سخت‌افزارانه به رهیافت‌های نرم دارد.

وی می‌نویسد: بی‌توجهی به مقوله جنگ نرم هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به طور مضاعف افزایش داده و ظرفیت‌های ملی را هدر می‌دهد. بر همین اساس سیاست‌گذاری در حوزه جنگ نرم و عملیات روانی به دور از بخشی‌نگری و جزئی‌نگری باید بر بنیاد شناخت و دانش صورت گیرد.

کتاب حاضر در ۵ بخش تدوین و تنظیم شده که در بخش نخست به کلیات می‌پردازد و اصطلاحات، تعاریف و مفاهیم جنگ نرم را واکاوی کرده است. دیگر بخش‌های آن به ترتیب عبارتند از: شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، سرویس‌های مخابراتی و سینما.

جنگ نرم چیست؟ چگونه می‌توانیم خود را در برابر سپاه شیطان تجهیز نماییم و اجازه صف آرای و نفوذ او را ندهیم؟ از جمله راهکارهای مقابله با دشمن در نبرد نرم علیه جمهوری اسلامی ایران در ابتدای امر، پذیرش وجود این جنگ در آحاد ملت و به ویژه نخبگان علمی و فرهنگی می‌باشد. پذیرش این امر، برداشتن گام‌های بعدی را تسهیل می‌کند.

همچنین از مهمترین راه‌های مقابله با دشمن می‌توان به تقویت دانش دشمن‌شناسی، رفع آسیب‌ها، تزریق امید، استفاده تمام‌عیار از هنر، بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های دشمن، تأکید و تصریح اهداف اصلی انقلاب اسلامی، حفظ و تقویت وحدت و تقویت باورها و ترویج ارزش‌ها و مبانی فکری و اعتقادی در عموم ملت به ویژه در نسل جوان اشاره کرد. از جمله موثرترین راه‌ها در مقابله با هجمه نرم علیه ملت ما، قوی شدن در ابعاد گوناگون و به کارگیری ظرفیت‌های موجود در جهت مقابله با دشمن در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی، فکری و ایمانی می‌باشد.

در خصوص بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای دشمنان، لازم است با توجه به نقش موثر رسانه‌ها در جهت فرهنگ‌سازی و ترویج حقایق ملی و اسلامی کوشش‌های موثر تری از سوی نهادهای مربوطه انجام شود و از این فرصت و ظرفیت در جهت اشاعه دستاوردهای بی‌نظیر در عرصه‌های گوناگون به جهت تزریق امید و عزت نفس ملی استفاده گردد.

همچنین در هم‌گسیختگی موجود در فضای مجازی و استفاده کثیر دشمن از این فضا، لزوم توجه بیشتر و اصولی‌تر به این مهم را برهمگان نمایان ساخته است. از جمله راهکارهای ضروری و لازم در این خصوص، بومی کردن شبکه‌های اطلاعاتی و ایجاد شبکه ملی اطلاعات است که مکرراً توسط رهبر معظم انقلاب بدان توصیه کرده‌اند.

همانطور که ابتدای این نوشتار گفته شد، هدف اصلی جنگ نرم، تأثیر گذاری بر باورها و ارزش‌های یک جامعه است.

در حال حاضر نیز دشمنان اسلام، تلاشی بسیار گسترده در جهت تضعیف مبانی اعتقادی و فکری جامعه ما دارند. اگر در معرفت به وجود و شناخت خداوند، ضعف وجود داشته باشد؛ به تبع آن سایر ارزش‌های دینی نیز از اعتبار، ساقط و مفاهیمی چون جهاد و ایثار جان و مال در راه دفاع از این ارزش‌ها، معنای خود را از دست می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت ضروری‌ترین و اولی‌ترین راه مقابله با این تهاجم، تقویت مبانی فکری و اعتقادی می‌باشد که در سالیان اخیر، در این خصوص اقدامات شایسته‌ای در حال انجام است و از مهمترین این اقدامات، برگزاری دوره‌های آموزشی معرفت دینی تحت عنوان طرح ولایت می‌باشد که سالانه پذیرای عده کثیری از آحاد گوناگون ملت به ویژه دانشجویان می‌باشد.





فصل نبض پاندمی

نشریه تحلیلی تبیینی اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان/ سال هفتم/ شماره بیست و هفتم/ نیمه دوم فروردین ماه ۱۴۰۰

کدامین واکسن؟!

نگاهی علمی به انواع واکسن
به قلم : محمد امین جعفری

صفحه ۳۰

دو راهی سنت و مدرنیته

تحلیلی بر مقایسه طب سنتی و طب
مدرن
به قلم : امیرحسین آبادی

صفحه ۳۱

معرفی کتاب

کتاب تصویری مدافعان سلامت
اثر : هاشم عرفان منش

صفحه ۳۲

معرفی کتاب

زیبایی شرور
اثر : علامه مصباح یزدی

صفحه ۳۲



بنده خیلی امیدوار هستم به خصوص به دل پاک و صاف جوان ها و عناصر مؤمن و متقی و پرهیزکار که اینها واقعا می توانند با دعای خودشان بلاهای بزرگ را دفع کنند. این بلا به نظر ما بلای آنچنان بزرگی نیست، از این بلاها بزرگ تر هم وجود داشته و دارد، خودمان هم در کشور مواردی را مشاهده کرده ایم. می توانیم با دعا، با توسلات و با طلب شفاعت و وساطت از ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و طلب کمک از آن بزرگواران و توسل به ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و به رسول و نبی مکرم اسلام خیلی از مشکلات را برطرف کرد.

مقام معظم رهبری



کدامین واکسن؟!

«نگاهی علمی به انواع واکسن»

■ محمد امین جعفری / مدیرمسئول



تزریق بعنوان عامل بیماری زا، شناسایی شده و ایمنی زایی می کند اما مسئله ای که هست، این دسته از واکسن ها به دلیل غیرتکثیری بودن کارایی کمتری دارند.

دسته بعد، واکسن های پیشرفته ژنومیک مثل فایزر و مدرنا هستند که ژن بیماری را توسط لیپوزوم وارد سلول شده و در مدتی که فعال هست (حدود ۲ هفته) توسط ریبوزم به تولید پروتئین بیماری را به صورت نامحدود می پردازد و نهایتا ایمنی زایی ایجاد می شود. ایراد این دسته از واکسن ها که اولین بار و برای کرونا استفاده شده اند؛ جدای از شائیه های عوارض انسانی و بلند مدت ناشناخته و عدم تکمیل کارآزمایی های بالینی، نامحدود و غیرکنترلی بودن مقدار پروتئین تولیدی توسط mRNA وارد شده است. چرا که مقدار پروتئین های تولیدی داخل بدن کنترل شده است و تغییر بیش از حد این مناسبات باعث ایجاد سرطان ها و انواع بیماری های خود ایمنی می شود؛ که به عبارتی می گویند سیستم ایمنی بدن dysregulate یا مختل شده است و این مهم که در واکسن های mRNA بسیار محتمل هست، به دلیل عدم انجام آزمایشات بالینی لازم بسیار واجد تدقیق و بررسی است. چرا که صحبت سلامت ملت ها هست. در نهایت، با توجه به انواع ویروس کرونا در کشورها و جوامع مختلف و توصیه اپیدمیولوژیست ها به ساخت واکسن توسط هر کشور و ناشناخته و خطرناک بودن واکسن های ژنومیک، در حال حاضر، بهترین راهکار مقابله با پاندمی، تمرکز بر واکسن های غیرفعال شده است که هم ایمنی زایی مناسبی دارند و هم آزمون خود را سالهاست پس داده اند.

یک سال پس از شیوع ویروس کرونا در ایران و جهان و ایجاد معضلات و مشکلات متعدد انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی احساس نیاز به واکسن و درمان این بیماری دوچندان شده است.

در این مقاله نگارنده قصد دارد به صورت علمی به مقوله واکسن کووید ۱۹ بپردازد.

در ابتدا باید گفت واکسن ها به چند دسته تقسیم می شوند: واکسن ویروس کشته شده یا غیرفعال شده مثل واکسن ایرانی، واکسن ویروس تخفیف حدت یافته (ضعیف شده) که برای کرونا، از این نوع اصلا نداریم. واکسن های بر مبنای وکتورهای ویروسی که ژن تولید کننده پروتئین ایمنی را توسط یک حامل ویروسی به بدن منتقل می شود که واکسن انگلیسی، واکسن روسی و برخی واکسن های چینی از این نوع است. واکسن های VLP یا virus like particle (شبه ویروسی)، واکسن های نو ترکیب و واکسن های بر مبنای mRNA از انواع دیگر واکسن هستند که در ادامه بیشتر توضیح داده می شود.

در روش واکسن ویروس کشته شده که رایج ترین نوع تولید واکسن می باشد، ویروس با روش های مختلفی مثل گرما، اشعه و یا مواد شیمیایی مثل فرمالدهید، غیرفعال می شود و مقدار مناسب به بدن تزریق شده و آنتی بادی (پادتن) که پاسخ دستگاه ایمنی است، تولید و ایمنی زایی ایجاد می شود.

در دسته ای از واکسن ها که از وکتور استفاده می شود، پروتئین بیماری زا، جایگزین پروتئین اصلی ویروس حامل می شود که معمولا از آدنوویروس استفاده می شود. ویروس جدید پس از

دوراهی سنت و مدرنیته

«تحلیلی بر مقایسه طب سنتی و طب مدرن»

■ امیر حسین آبادی/ دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک

این سؤال اندیشید که آیا این معنا و روان گرایی در طب مدرن، امری برگرفته از مبانی و مبادی طب مدرن است یا یافته‌ای است که در طی سالیان سال طبابت مدرن، پزشکان به آن قائل شده‌اند؟

مطلب مهم دیگری که نیاز به پردازش دارد، بحث روش است. طب نوین، پایبندی مطلقی به تجربه دارد و پیشرفت آن در گرو آزمون و خطای بسیار و مطالعات مکرر در سطوح حیوانی و انسانی است. این مهم، از جمله مواردی است که در آسیب‌شناسی طب سنتی در جامعه ایرانی باید بدان پرداخت. طبای سنتی، تا چه حد به کارآزمایی‌های بالینی و تحقیقات آزمایشگاهی برای فهم کارآمدی دانسته‌های خود پایبند هستند؟ وقتی به بدن به عنوان امری محسوس می‌پردازیم، روش نیز متناسب با این موضوع تعیین می‌شود و نمی‌توان به صرف اینکه حکمای گذشته مطلبی را درج کرده باشند، به آن استناد کرد. چشم پوشی بر این مطلب که طب نوین با پایبندی به تجربه کردن و تکیه بر آزمایشات و کارآزمایی‌های بالینی با روش‌های استاندارد و توجه دقیق به متغیرها در بیماری‌های مختلف، گره‌هایی سخت را گشوده است، انحراف از انصاف است.

بستر مناقشه برانگیز دیگر که تا حدی روبروی ایده‌ی بند قبلی قرار می‌گیرد، بحث تراحم شناخت‌ها است. امروزه علاوه بر گزاره‌های حاصل از تجربه، گرایش به سمت فهم دستورالعمل‌های طبی، از روش صرفاً نقلی نیز پررنگ شده است. به خصوص در گرایش‌های دینی طب سنتی. نگارنده خود در وجود یا عدم طبی به عنوان طب دینی در حیرت است و توان قضاوتی دقیق در این عرصه از او مسلوب؛ لکن یک مطلب که اهمیت پرداخت‌های معرفت‌شناختی را بیش از پیش مهم جلوه می‌دهد، سعی در فهم میزان اعتمادپذیری گزاره‌های غیرتجربی در رسیدن به چاره‌های درمانگری و سلامت‌آفرینی است. اینکه آیا می‌توان بدون تجربه به شناخت طبی رسید؟ آیا می‌توان با احادیث به راهکاری برای درمان رسید؟ و...

در پایان تأکید می‌کنم که برای حل مسئله‌ی تراحم طب‌ها بایسته است که از دعوای رسانه‌ای و جنجال‌های برخی مجلس‌نشینان و عقده‌گشایی‌های سیاسی و بدزبانی‌های غیرعالمانه و تقلیل مسئله به درگیری بر سر چند داروی گیاهی یا شیمیایی پرهیز کرد و قدری عمیق‌تر و به دور از هوچی‌گری‌های سیاسی به آن نگریم.



بحران در پزشکی مدرن، عبارتی پر تکرار و اعجاب برانگیز در ۵۰ سال اخیر است. از سالهای انتهایی دهه ۶۰ میلادی و ابتدای دهه ۷۰، با توجه به گرایش کثیری از بیماران در اقصی نقاط جهان به بهره‌مندی از طب‌های غیرمدرن مانند طب چینی، هندی، هومئوپاتی و... و همچنین ظهور بیماری‌های جدید همراه با پیشرفت تکنولوژی، تغییر الگوی بیماری‌ها از حاد به مزمن و برجسته شدن مسائل اخلاقی و حقوقی در عرصه طب مدرن، پزشکان و پژوهشگران علوم انسانی پزشکی را در مورد بروز بحرانی در این عرصه متقاعد نموده است. اینکه نگارنده تا چه اندازه به پذیرش وجود این بحران گردن می‌نهد، موضوع این نوشتار نیست و در این مقاله صرفاً به اولین شاهد بحران‌پنداری در طب مدرن یعنی اقبال جامعه به طب‌های غیرمدرن می‌پردازیم و به جستارهایی در تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های طب مدرن و طب سنتی (با توجه به سنت کشور خودمان) اکتفا می‌کنیم.

طب انسانی دستورالعملی برای نیل به سمت کمال در هنگام دور افتادن از وضعیت مطلوب بدن انسان است. با دقت در این عبارت مشخص می‌شود که طب چه در سیاق مدرن و چه در اندیشه‌ی سنتی، پیش از تجربه و آزمون و خطا و قبل از کشف درمان و مرهم، بایستی به چند سؤال پاسخ دهد: انسان چیست؟ مطلوب انسانی چیست؟ نقش توجه به بدن در رسیدن به این مطلوب کدام است؟ بدن چه نوع وجودی دارد؟ کمال بدن چیست؟ کمال بدن چه نسبتی با کمال غایی آدمی دارد؟ و...

مسئله داشتن دو نگرش به انسان و هستی و چیستی او، دو ارمغان طبی متفاوت را عرضه می‌دارد. علاوه بر آن از آنجاییکه طبابت با مسائل اخلاقی و حقوقی متنوعی درگیر است، نگاه‌های مختلف انسان‌شناختی، اندیشه‌های متفاوت اخلاقی و حقوقی را نتیجه داده و در نهایت قضاوت‌های متفاوتی نیز در عرصه طب از حیث اخلاقی و حقوقی به دست می‌آید. در عالم طب سنتی، انسان به مثابه‌ی یک موجود مرکب از نفس و بدن و دارای ساحتی مجرد و مادی است که اصالت در وجود او به بُعد مجرد او است و بدن در تدبیر نفس قرار دارد و بایستی برای رشد و بسط هر چه بیشتر نفس به کار گرفته شود. طبیب نیز خود را در مواجهه با انسانی بدین مشخصات می‌یابد و در تدبیر سلامت او و خروج او از بیماری به سلامتی به هر دو وجه می‌اندیشد و بدن را برای نفس و مادی را برای مجرد ترمیم و اصلاح می‌کند و سلامت انسان را در گروی سلامت نفس و بدن به نحو توأمان می‌داند. در اندیشه سنتی، طبابت در امتداد یک انسان‌شناسی الهی قرار داشته و طبابت و حکمت دو امر در هم تنیده بوده‌اند. و طبیب حکیم و حکیم طبیب می‌باشد. آنچه در پزشکی مدرن به چشم می‌آید، نوعی از گرایش افراطی به حل هر وضعیت نامطلوب انسانی با دارو است. گویی انسان به مجموعه‌ای از سازوکارهای فیزیولوژیک تقلیل یافته است و آدمی تنها به مثابه‌ی موضوعی فیزیولوژیک قابل شناخت است. البته این گرایش تک‌ساحتی امروزه تا حد قابل توجهی رنگ‌باخته و شاهد آن طرح موضوعاتی مانند سلامت معنوی و روان‌درمانی و... است اما باید به



معرفی کتاب

■ کتاب تصویری «مدافعان سلامت» نوشته هاشم عرفان منش (مسئول انجمن عکس سازمان بسیج هنرمندان شیراز)



■ کتاب «زیبایی شرور» / نوشته علامه مصباح یزدی

این کتاب، حاصل سه جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ از علامه آیت الله محمدتقی مصباح یزدی است که در اسفند ۱۳۹۸ و پس از شیوع بیماری کرونا در کشور، ایراد و برگزار شده است و در سال ۱۳۹۹ منتشر شد.

آیت الله مصباح، در ابتدا به این نکته اشاره میکنند که از دو جهت میتوان درباره بلایا و شرور بحث کرد: از جهت نظری و از جهت عملی! بدین معنا که از جهتی میخواهیم دریابیم با توجه به علم و حکمت پروردگار، وجود این بلایا، چه توجیه یا فلسفه‌ای دارد؟ و از جهت دیگر میخواهیم تشخیص دهیم که در زمان وقوع بلایا و بیماریها و حوادث و به تعبیر دیگر «شرور» در مقام یک مؤمن، چه واکنشی باید از خود نشان دهیم؟ چه از جهت قلبی و اعمال جوانحی (رضایت یا عدم رضایت) و چه از نظر ظاهری و اعمال جوارحی.

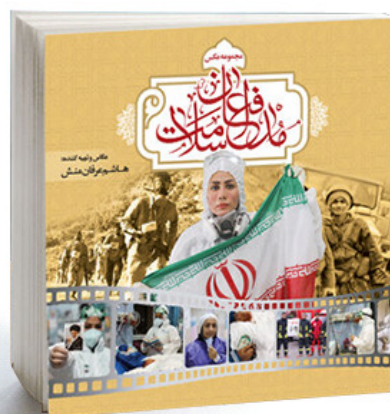
ایشان، با بیانی شیوا و روان، به این دو مسأله پاسخ میدهند و با استفاده از مقدمات عقلی و همچنین آیات و روایات، گره‌های ذهنی موجود درباره این مسائل را به خوبی می‌گشایند و در پایان، به هفت پرسش مهم برخی از مخاطبان پاسخ میدهند که این بخش از کلام نیز ابعاد مسئله را روشنتر میکند.

این روزها، صحبت از بلاها و مصیبتها و بیماریهای واگیر و به خصوص مسئله‌ی کرونا در میان است که بسیاری از کشورها را در بر گرفته و روز به روز هم شیوع بیشتری پیدا میکند. درباره‌ی اینگونه مسائل، سؤالات فراوانی از کشورهای مختلف در سطوح متفاوت فهم و تحصیل و معرفت و ایمان طرح میشود. از جمله می‌پرسند: «این آفات و بلاهایی که پدید می‌آید و گاهی گسترش پیدا میکند و بسیاری از کشورها را در بر میگیرد و حتی افراد بیگناه و اطفال را مبتلا میکند، چه حکمتی دارد؟»

میتوان ادعا کرد که این مکتوب، به رغم اختصارش، در بررسی محققانه‌ی ابعاد بلایا و شرور، کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. از این رو، مطالعه‌ی دقیق و عالمانه‌ی آن، به همه‌ی ارباب معرفت و تمام کسانی که دغدغه‌ی فهم دقیقتر و عمل بهتر را دارند، سفارش میشود.

هدف از تهیه و انتشار این کتاب با توجه به بیانات رهبری مبنی بر بازتاب و نمایش فداکاری‌های مدافعان سلامت است، چراکه ایشان در فرمایشات خود آرزو کرده بودند، افرادی مانند شهید آوینی مجاهدت‌ها و فداکاری‌های این روزهای مدافعان سلامت را به نمایش بگذارند. قابل ذکر است که این کتاب دارای سه فصل است که در فصل اول عکس پزشکان و پرستاران به نمایش گذاشته می‌شود و در فصل دوم تصاویر پرتره از کادر درمان اعم از پزشکان، پرستاران و نیروهای خدماتی که در بیمارستان‌های شهید فقیهی، شهید چمران و بیمارستان حضرت علی اصغر (ع) بودند قرار داده شده است، اما فصل سوم متفاوت از دو فصل دیگر است زیرا به سپاسگزاری مردم نسبت به فداکاری‌ها و مجاهدت‌های کادر درمانی کشور پرداخته است.

از دیگر ویژگی‌های این کتاب این است که تمام عکس‌های آن کاملاً در سطح شهر شیراز گرفته شده که سه ماه به طول انجامیده است و در مجموع عکس‌های این کتاب ۹۰ عکس است که اکنون در مراحل پایانی طراحی قرار داد و در هفته جاری اولین نسخه آن به انتشار خواهد رسید.



ملا فلاح مسکات

شهادت
پزشک
و کادر درمانی
۲

